



« و به نستعين انه خير ناصر و معين »

مقدمه؛

« ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان الله نعمًا يعظكم به ان الله كان سميعاً بصيراً » (۱)

«همانا خداوند فرماتنان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید به عدل حکم کنید، چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می‌دهد، بی‌گمان خداوند شنوای بیناست»
امانت‌داری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض از نشانه‌های مهم ایمان است. چنانکه خیانت به امانت، علامت نفاق است.
در حدیث آمده:

«به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آنان بنگرید.» (۲)

معنای «عدل» این است که هر چیز سر جای خودش قرار بگیرد، امروز اسلام، قرآن و نظام اسلامی و پست‌ها و مسؤولیت‌های نظام که بواسطه خون هزاران شهید و معلول به دست ما رسیده بزرگترین امانت الهی است که به حکم ایمان و عدالت‌خواهی و امانت‌داری بر ما واجب است که از آن‌ها حفاظت و پاسداری نماییم. این امانت الهی را در جای خود و

« اسحاحات »

با استفاده از
آیات
و روایات
و قانون اساسی

محمد موحدی نژاد

به اهلس بسپاریم و نگذاریم که به دست ناهلان و نامحرمان بیفتند.

لازمه تشکیل نظام و حکومت الهی سپردن مسئولیت‌ها به اهلس می‌باشد و سپردن امور به کاردانان از مصادیق ایمان و عمل صالح شمرده شده‌است. چون هر امانتی صاحبی، و هر کس لیاقت و استعداد کار و مقامی را دارد. خداوند ما را بر این امر مهم هم فرمان داده و هم موعظه فرموده است.

آری مسئله انتخابات و انتخاب که همیشه از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد، شناختن صالحان، و واگذاری امانت به آن‌هاست. که انجام این فرمان الهی و پرداختن به این امر مهم آگاهی، هشیاری، عدالت‌خواهی، پشتکار، مقاومت و حضور امت در صحنه راه، طلب می‌کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید؛

«فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاة و لا تصلح الولاة الا باستقامة الرعیه» (۳)

«یک کشور اصلاح نمی‌شود مگر اینکه کارگزاران، زمامداران و مسئولینش صالح باشند و آن‌ها اصلاح نمی‌شوند مگر به استقامت و پشتکار مردم.»

پس انتخاب و انتخابات امتحان بزرگی برای امت در تعیین سرنوشت خویش است. که با انتخاب افراد مؤمن، لایق، صالح، کارآمد، کاردان و خدمتگزار به کشور، امور اصلاح و باعث جلب رضایت و رحمت و پاداش نیکوی الهی خواهد گردید. و در خدمتگذاری، اعمال نیک و صالح آن‌ها، و در پاداش اخروی شریک، در غیر این صورت در پیشگاه الهی مسؤل و به یقین

در فساد و خیانت‌های روی کارآمدن افراد ناصالح و نالایق شریک خواهیم بود.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «وصیت اینجانب به ملت در حال و آینده این است که با اراده مصمم خود به احکام اسلام و مصالح کشور، در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه انتخاب خبرگان و وکلای مجلس در صحنه باشند و افرادی که دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم و بدون گرایش به غرب و شرق و مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی را انتخاب کنند.»

- رهبر حکیم و فرزانه انقلاب هم در این رابطه می‌فرمایند: «مهم‌ترین مسئله حضور پرشور، سالم و قوی مردم در انتخابات است. کسانی می‌توانند وارد صحنه رقابت شوند که به اسلام و نظام اسلامی و قانون اساسی و امام معتقد باشند. افرادی باتقوا، طرفدار محرومین، مخالف عملی با فساد به خصوص فساد مالی و اقتصادی، توانمند، بااخلاص و عالم حضور داشته باشند.

بنابراین توجه و عمل به چند مهم وظیفه ما می‌باشد:

الف) حضور آگاهانه و مخلصانه، گسترده و جدی.

ب) عمل به وظیفه و فرمان الهی.

ج) شناساندن و آگاهی دادن به دیگران با رعایت اصول دینی، اخلاقی و اجتماعی.

د) پرهیز از فتنه‌ها، شایعه پراکنی‌ها، تنش‌ها و جنجال‌های بیهوده و صف‌شکنی و اختلاف‌افکنی.

ارزش انسان و اهمیت انتخاب

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (۴)

«ما انسان را در (مقام) احسن تقویم و به نیکوترین صورت در مراتب وجود بیافریدیم.»

◆ برترین مخلوق

خداوند انسان را آفرید و در میان همه مخلوقات و موجودات او را برترین قرار داد:

- «کرمنای بنی آدم»: «انسان را کرامت دادیم.»

- «فضلنا...»: «او را فضیلت دادیم.»

◎ ای انسان

«خلق لکم»: (جهان را) برای تو خلق شده.

«سخر لکم»: در تسخیر تو در آمده.

«متاعا لکم»: برای بهره‌بری تو است.

«رزقا لکم»: روزی برای تو است.

«منافع لکم»: برای نفع و سود بردن تو است.

◆ ارزش انسان به چیست؟

خداوند انسان را به بهترین صورت و ترکیب و کیفیت و موقعیت آفرید و جهان را برای او قرار داد. حال انسان برای به ثمر رسیدن و نتیجه بخش شدن، و رسیدن به تکامل و هدف خلقت بر سر دو راهی انتخاب حق یا باطل، خدا یا شیطان و هوای نفس، دنیا یا آخرت، بهشت یا دوزخ، راه یا بیراهه است.

ه) مراقبت از افتادن به دام‌ها، نقشه‌ها، شعارهای فریبنده و دروغین منافقان و دشمنان اسلام و انقلاب و کشور.

نوشتاری که پیش روی شما خواننده عزیز و گرامی است آموزه‌هایی است از آیات و روایات برای بهترین انتخاب (اخلاق انتخاباتی) و انتخاب بهترین (انتخاب‌اصلاح). که امیدوارم مورد رضای خداوند و توجه مصلح کل، عدالت‌گستر جهان امام زمان علیه السلام و استفاده شما قرار گیرد.

قبلاً از همه‌ی عزیزانی که اینجانب را از نظرات خود

بهره‌مند نمایند تشکر می‌کنم.

«و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب»

مصادف با ایام شهادت حضرت جوادالائمه علیه السلام

۸۳/۱۰/۲۲

محمد موحدی نژاد

تهران

و ارزش انسان به انتخاب اوست. و برای این انتخاب آزاد است و هیچ اکراه و اجباری بر او نیست. خداوند می‌فرماید:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۵)

«اکراه و اجباری در انتخاب دین نیست، (ولی) رهیابی راه از بیراهه برای انسان (از جانب خداوند) روشن و نمودار گشته است.»

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۶)

«ما راه را بر انسان نمودیم حال او (انتخابگر است که) یا شکر گزار است و یا ناسپاس.»

◆ انسان موجودی آزاد و انتخابگر و مسئول

آری انسان نه تنها در یک مورد و بعد از زندگی بلکه در همه موارد و ابعاد اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، تربیتی و ... و در تمام حالات و ایام و مدت عمر خویش برای هر کار حق و باطل و زشت و زیبایی در حال انتخاب است. و نسبت به هر انتخابی مسئول و پاسخگو می‌باشد.

خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ

مَسْئُولًا» (۷)

«زیرا گوش و چشم و قلب (که این موارد به عنوان نمونه آمده است) همه مورد پرسش واقع خواهند شد.» و رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۸)

«آگاه باشید: همه شما نگرهبان و همه شما مسئول برای یکدیگر هستید.»

پس تا انسان است و دنیا، عقل است و هوای نفس و شهوت، انبیاء و رهبران دینی هستند و شیطان، انسان بر سر دو راهی «انتخاب» است.

◆ بهشت و انتخاب انسان

انسان زمانی که با ایمان و عمل صالح و خالص به بهشت جاویدان راه پیدا می‌کند (و بر این نعمت خدای بزرگ را ستایش کرده و شکرگزاری می‌کند) به او این آزادی داده می‌شود که هر کجای بهشت را می‌خواهد انتخاب نماید؛

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ

مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.» (۹)

«آن‌ها (بهشتیان) می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان.»

◆ دو نمونه انتخاب

کربلا سرزمینی است که دو گروه در مقابل هم ایستاده‌اند یک گروه برای انجام وظیفه و به دست آوردن رضای خدا. و گروه دیگر با حيله و خدعه و نفاق و در راه رسیدن به مظاهر دنیا، در میان طرفداران باطل یک نفر به نام «حربن یزید ریاحی» است که ماموریت یافته راه را بر حسین بن علی علیه السلام و یارانش ببندد و از «یزید» طاغوت زمان جایزه بگیرد که با برخوردهای

اخلاقی و انسانی آن حضرت منقلب شد و با اظهار پشیمانی به لشکریان حق پیوسته و اولین نفری است که در راه خدا شربت شهادت می‌نوشد. دیگری «عمر سعد» است که خود می‌گوید:

«مدت زیادی با خودم جنگیدم که آیا دنیا را انتخاب کنم یا آخرت را، بهشت یا دوزخ، آخر، دنیا و مظاهر آن بر من چیره شد دنیا را انتخاب کرده و برای مقابله با حسین بن علی علیه السلام آماده شدم. (گر چه به بهای شهادت او و یارانش و اسارت زن و فرزندانش بوده) که من به دنیا و لذت‌های آن برسم.»

◆ شیوه انتخاب

راه‌های روی کارآمدن نظام‌ها و مسئولان آن در دنیا؛

الف- از طریق کودتا و اعمال قدرت و زور و ظلم

ب- از طریق اقلیت و پارلمان‌های شخصی و تحت نفوذ.

ج- از طریق جانیشینی و مورثی (پادشاهی).

د- از طریق انتخابات و همه پرسی.

هـ- راه الهی، توسط رهبران معصوم که از طریق خداوند معین می‌شوند. (که تنها راه صحیح و بی‌عیب همین است.)

◆ همه پرسی و رأی اکثریت حق است یا راه حل؟

انتخابات و رأی اکثریت هرگز واقعیت را تغییر نمی‌دهد نه حقی را باطل و نه باطلی را حق می‌کند.

حق اگر حق است با طرفداران کم باطل نمی‌شود و باطل اگر باطل است با رأی و انتخاب اکثریت حق نمی‌شود. اصولاً نظام دینی و حکومت اسلامی بر پای جعل و تأیید الهی استوار است (نه اکثریت و نه اقلیت) چون حکومت، حکومت خداست و بس، خدایی که هم بهتر می‌داند و هم مهربانتر است.

◆ قرآن و رأی اکثریت

حدود هشتاد مرتبه در قرآن از اکثریت مذمت شده است، خداوند در یکی از آیات می‌فرماید:

«وَإِنْ تَطَعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.» (۱۰)

«و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند منحرف و گمراه می‌کنند، زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و آنان، جز به حدس و گمان نمی‌پردازند.»

اکثریتی که به جای حق، در پی حدس و گمان باشند قابل پیروی نیستند، در انتخاب حق، دلیل و برهان لازم است نه حدس و گمان، پس اکثریت همه جا نه تنها دلیل بر حقانیت نیست بلکه گاهی به قیمت نابودی و انحراف انسان تمام می‌شود.

راستی اگر مردم گرد سیفال آمدند دُرّ می‌شود و اگر طلا را رها کردند سفال می‌شود؟

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وَاعْلَمُ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرَ وَ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوِيٌّ لَمْ يَخْرُتْكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يُسِرُّكَ وَ لَكِنْ أَعْرَضَ نَفْسَكَ عَلَيَّ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ.» (۱۱)

(ای جابر) بدان اینکه: تو ولی ما نمی‌شوی مگر زمانی که اگر تمام مردم شهر درباره تو بگویند فلانی مرد بدی است ناراحت

نشوی و اگر هم گفتند مرد خوبی است شاد نشوی بلکه برای شناخت خود، خود را به کتاب خدا عرضه نمایی. آری اکثریتی که رشد نکرده و تربیت نشده نباید مورد توجه و عنایت و تأیید قرار گیرد.

◆ اسلام و شوری

در اسلام شوری نه مربوط به نظام است و نه تعیین رهبر و نه وضع قانون، بلکه مربوط به کیفیت اجراء احکام اجتماعی است.

شور و مشورت به معنای استخراج بهترین نظریه‌ها است. مشورت یک مثلث است؛

- یک ضلع آن آشنایی با نظریات است.

- و یک ضلع آن تصمیم‌گیری به حق بالاترین مسئول.

- و ضلع دیگر و اصلی‌ترین آن توکل به خداوند.

◆ دانشمندان و رأی اکثریت

البته دانشمندان هم به این حقیقت اعتراف دارند که اکثریت در همه جا نشان‌دهنده واقعیت نیست ولی در عین حال چون از راه‌های دیگر عیبش کمتر است مجبور به پذیرش آن شده‌اند.

◆ تجربه‌های تلخ تاریخی

بارها تاریخ نشان داده که در انتخابات افرادی با رأی اکثریت انتخاب شده‌اند ولی دیر یا زود اشتباه این‌گونه انتخابات بر همه روشن شده، چه افرادی را ما بهترین انسان‌ها می‌دانستیم که علاوه بر رأی دادن حاضر بودیم جان به فدایش کنیم و او چنان با ریا و تظاهر و سیاست گام بر می‌داشت که احتمال

خلاف در او نمی‌دادیم. ولی در برخورد با حوادث حقایق روشن شد و چیز دیگری از آب در آمدند.

در قرآن می‌خوانیم که مردم می‌گفتند: چرا قرآن بر مرد سرشناسی از دو قریه مکه و طائف نازل نشد؟

«وَقَالُوا لَوْ نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ» (۱۲)

آن‌ها خیال می‌کردند همینکه فلان شخص سرشناس و معروف یا سرمایه‌دار است باید وحی هم بر او نازل شود.

- در قرآن آمده که جناب طالوت از طرف خدا فرمانده لشکر شد. بسیاری از مردم او را فقط به خاطر فقر و تهیدستی نپذیرفتند. (۱۳)

- مگر نه این است که پیامبر ﷺ مشغول خواندن خطبه نماز جمعه بود که صدای طبل مال‌التجاره (جمعه بازار) بلند شد که ناگاه همه مردم از پای خطبه رسول خدا پا به فرار و به سوی بازار برای خرید رفتند و جز چند نفر باقی نماندند. (۱۴)

- و مگر نه این است که حضرت موسی ﷺ چهل شبانه روز به دستور خداوند از مردم جدا شد و هارون برادرش را به جای خود معرفی کرد، مردم در این فاصله کوتاه گوساله پرست شدند. (۱۵)

◆ راه حق

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (۱۶)

«به یقین هدایت کردن برماست»

تنها راه حق و صحیح راه اسلام و قرآن و ملاک‌های ارزشی است که در قرآن آمده‌است و بر همین اساس و اعتقاد امت مسلمان ایران با شناختن راه حق به رهبری امام خمینی ﷺ

نظام شاهنشاهی را برچیده و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را استوار ساختند و با شناخت حق به مترقی‌ترین قانون اساسی رأی مثبت دادند. قانون مترقی نظام جمهوری اسلامی هم به آرائ ملت مسلمان که با ملاک‌های اسلامی و قرآنی متصل به وحی الهی افراد را انتخاب می‌کنند احترام می‌گذارد و هم برای اطمینان و تأکید بیش‌تر و نظارت بر صحت و اصلاح امور در مقابل انحرافات احتمالی تنفیذ و تأیید رهبر دینی را شرط می‌داند.

این نوع انتخاب و همه‌پرسی که برگرفته از انگیزه‌های الهی و دینی است و از طرفی مورد تأیید فقیه جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد مورد افتخار است.

آری در نظام اسلامی همه لامپ‌ها تا وصل به برق نشوند روشنایی در کار نخواهد بود و رأی همه مردم هم تا از طریق وحی و راه خدا نورانی نشود ارزش الهی نخواهد داشت.

این‌گونه همه‌پرسی و رأی اکثریت از نظر مصونیت از اشتباه و انحراف قابل مقایسه با همه‌پرسی‌های صوری و فرمایشی رایج در دنیا نیست و به این صورت در حقیقت انتخاب مردم، هم ارزش خدایی دارد و هم مایه افتخار و الگوشدن برای همه جوامع بشری است. (۱۷)

◆ تعیین سرنوشت

به گفته قرآن تعیین سرنوشت هر انسان، جامعه و امتی به دست خود اوست. این یک قانون کلی و عمومی، سرنوشت‌ساز، حرکت آفرین و هشداردهنده است.

«...انَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (۱۸)
«به یقین خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها خود تغییر دهند.»

این سنت و قانون الهی که یکی از پایه‌های اساسی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است، به ما می‌گوید؛ که مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس در دست خود شماست و هر گونه تغییر و دگرگونی در جهت خوشبختی و بدبختی جامعه در درجه اول به خود آن‌ها بازگشت می‌کند.

آنچه اساس و پایه است این است که هر ملتی اگر خود بخواهد می‌تواند سربلند، سرافراز، پیروز، پیشرو، مترقی و متمدن باشد، و یا به عکس خودش تن به ذلت، زبونی و شکست بدهد.

لذا لطف خداوند، یا مجازات او، بی‌مقدمه، دامان هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده و خواست انسان‌ها و ملت‌ها، و تغییرات درونی است که آن‌ها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد.

به تعبیر دیگر؛ این اصل قرآنی که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند، به ما می‌گوید هرگونه تغییرات برون‌ی متکی به تغییرات درونی ملت‌ها می‌باشد، و هرگونه پیروزی و شکستی از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد و قدرت‌های سلطه‌گر و استعمار کننده و جهان‌خوار هم تا پایگاهی در درون یک جامعه نداشته‌باشند کاری از آنان ساخته نیست.

مهم آن است که پایگاه‌های سلطه‌گران و استعمار کنندگان و جباران را در درون جامعه خود درهم بکوبیم و بر محور اسلام

و دین و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و انسانی دست به دست هم داده متحد شویم، آنگاه لطف، عنایت و قدرت خداوند هم پشتیبان چنین ملت و امتی می‌شود تا بتوانند در مقابل توطئه‌های دشمن ایستاده و از طرفی راه‌های پیشرفت و ترقی و عزت و پیروزی را بیمایند.

آری رهبرانی هم توانسته‌اند پیروز و موفق شوند که ملت خود را بر اساس این اصل مهم و قرآنی رهبری کنند و جامعه را متحول و دنیا را تحت تأثیر حرکت خود قرار دهند و الگو شوند برای همه ملت‌های مسلمان و مستضعفان جهان.

تاریخ اسلام و تاریخ معاصر، بر این اصل اساسی و جاودانی شواهدی گویا و روشن دارد. (۱۹)

◆ نقش پشتیبانی و حضور مردم

با توجه به آیات و روایات و قانون اساسی جمهوری اسلامی بدون شک حضور گسترده و مداوم مردم در صحنه و پشتیبانی از نظام دینی و مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی و پیاده شدن احکام اسلام و اجرای عدالت نقش اول را ایفا می‌کند. در دنیا حکومت‌هایی صاحب قدرت واقعی هستند که با پشتیبانی مردم و حضور گسترده امت، اقتدار و استقلال و پایه‌های حکومتشان استقرار و ثبات پیدا کند.

جمهوری اسلامی ایران بر اساس معیارهای الهی و ملاک‌های قرآنی در سایه رهبری دینی حکومتی است که بر پایه آراء مردم نقش بسته‌است. برقراری این نظام الهی و ملاک‌های قرآنی با فداکاری‌ها، جانفشانی‌ها، از خودگذشتگی‌ها و هدیه‌کردن هزاران جوان، معلول و اسیر، آن هم با اراده‌ای پولادین و توکل به خدای قادر متعال بوجود آمده‌است.

قرآن می‌فرماید؛

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ...» (۲۰)

«همانا ما پیامبران خود را با دلیل‌های روشن (معجزات و استدلال‌های عقلی و فطری) فرستادیم، و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.» در این آیه محورهای اساسی نظام و حکومت اسلامی مشخص می‌شود؛

الف) رهبر الهی و دینی.

ب) حاکمیت قانون.

ج) حضور و پشتیبانی مردم.

به یقین هر کدام از این اصول اساسی نباشد، حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد.

حضور آگاهانه و هوشمندانه مردم در امور اجتماع و سیاست، حضور فعال و بادوام، درک صحیح از مسائل جاری، توجه ویژه به نقشه‌های شیطانی جهان‌خواران و مستکبران جایگاه ویژه‌ای در تعیین سرنوشت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد.

یکی از نمادهای این حضور کارساز گزینش و انتخاب کارگزارانی متعهد، شایسته، لایق، کارآمد و اصلح است، که ثمربخشی آن در اجرای احکام اسلام و قوانین مترقی جمهوری اسلامی و اجرای عدالت نمودار می‌شود.

یکی از افتخارات جمهوری اسلامی به رهبری بنیانگذارش، امام خمینی علیه السلام، حضور گسترده و پشتیبانی همیشگی و همه

جمهوری اسلامی، حضور مردم

◆ انتخاب و حضور طاغوت شکن

بهترین دلیل برای این افتخار، حضور آگاهانه و میلیونی مردم برای درهم شکستن نظام ۲۵۰۰ ساله طاغوتی شاهنشاهی و بیرون راندن و منزوی کردن نیروهای وابسته به آن بود. که در تاریخ به عنوان یک برگ درخشان به نام امت مسلمان ایران ثبت و ضبط گردید.

◆ حضور مکرر، گسترده و دشمن شکن

و دیگر اینکه در طول ربع قرن عمر این انقلاب و نظام، این مردم آگاه و شریف بودند که برای استقرار این نظام و حکومت الهی و اجرای قوانین و احکام حقه اسلام عزیز حدود ۲۵ بار با عزمی جزم و قاطع و حضوری افتخارآمیز، آگاهانه و مایوس کننده دشمن و برباد دهنده تبلیغات مسموم آنها، به پای صندوق‌های رای حاضر شده‌اند و دلیل اهمیت این حضور و پشتیبانی آن است که هر بار دشمنان قسم خورده اسلام و امت اسلامی با تمام توان و قدرت و سرمایه‌گذاری‌های فراوان بواسطه بوق‌های تبلیغاتی و دست‌های خارجی و داخلی سعی در مایوس کردن مردم در این باره داشته، که «الحمدلله» به نتیجه نرسیده‌اند. شکی نیست که دلیل این عزم و پشتیبانی آن است که امت در قبال اسلام و خون شهدا خود را مسئول می‌داند.

جانبه مردم مسلمان در تمام عرصه‌های انقلاب تا استقرار و تداوم نظام در تمام مقاطع است، که این نیز در شرایط مختلف همراه با امدادهای غیبی مکرر خداوند بوده است.

◆ اهمیت حضور در صحنه

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۲۱)

«آن کس که صبح کند و به امور مسلمانان اهمیت ندهد مسلمان نیست»

به دلیل آنکه ما بر آن اعتقادیم که: «دین ما عین سیاست ما، و سیاست ما عین دیانت ماست.» چه کاری از امور مسلمانان از دخالت در سرنوشت جامعه اسلامی و دفاع از دین و استقلال و مایوس کردن دشمنان از نفوذ و سلطه بر امور مسلمانان مهمتر است. آری حضور در صحنه برای دفاع از احکام و اهداف عالی‌ه حکومت اسلامی یک کار عبادی، سیاسی است که خوب است با قصد قربت و برای رضای خدا و انجام فرمان او و به دور از هوی و هوس انجام شود.

◆ انتخابات و قانون اساسی

عصاره انقلاب، خون شهدا، مفقودان، اسیران، معلولان و پشتیبانی‌های بی‌دریغ امت اسلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که با رای قاطبه امت تأیید و به تنفیذ رهبر کبیر انقلاب رسیده و صاحب‌نظران براین ادعا هستند که جزء مترقی‌ترین قوانین اساسی دنیاست.

حال در این مجموعه قوانین، انتخابات، حضور مردم و پشتیبانی‌های مستمر و مداوم امت از نظام، جایگاه ویژه‌ای دارد که ما در این مختصر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛

الف: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند. (اصل ۵۶)

ب: در جمهوری اسلامی امور کشور باید با اتکا به آراء عمومی اداره شود. (اصل ۶)

ج: در جمهوری اسلامی دعوت به خیر از وظایف همگانی است. در اینجا لازم به تذکر می‌دانیم که راه ما راه خدا و اسلام است. و در چهارچوب و مبانی اسلام لیاقت و شایستگی و ارزش واقعی انسان‌ها مشخص و جامعه توحیدی می‌ماند و گرنه شرک حاکم می‌شود.

◆ حق یابی و انتخاب نیکو

هر مسلمان حداقل شبانه روزی ۱۰ مرتبه از خداوند می‌خواهد که: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ؛ «(خدایا) ما فقط تو را عبادت کرده (بنده و تسلیم تو هستیم و در راه هدایت) فقط از تو کمک می‌خواهیم. (خدایا) ما را به راه راست هدایت کن.»

اگر ما مسلمان و در راه حق هستیم و هدفمان جلب رضایت خداوند است. باید در هر مرحله و زمان و مسئله‌ای با استمداد از قدرت بی‌منت‌های الهی پیمودن راه حق و صراط مستقیم را انتخاب نمائیم.

بر این اساس است که امت اسلامی باید با حضور دائمی در صحنه و در جهت تعیین سرنوشت اجتماعی، سیاسی با تلاش و تحقیق، انتخابی نیکو و شایسته و مورد رضای حق داشته باشد.

ملاک‌های انتخاب بهترین

۱ - ایمان و تقوا

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (۲۶):

«گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.»

۲ - علم و حکمت

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (۲۷)

«و هنگامی که به بلوغ و قوت رسیده ما «حکم» و «علم» به او دادیم.»

۳ - سابقه خوب و روشن

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (۲۸)

پیشی‌گیرندگان (ایمان و جهاد، اطاعت و خدمتگزاری) از نزدیکانند.»

علی علیه السلام درباره دقت در حسن سابقه کارگزاران به مالک اشتر می‌فرماید:

«إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا وَمَنْ

شَرَّكَهُمْ فِي الْأَثَامَةِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً» (۲۹)

«بدترین وزراء تو کسانی هستند که وزیر اشرار و زمامداران پیش از تو بوده‌اند، کسی که با آن گناهکاران در کارها شرکت داشته، نباید جزء صاحبان سرّ (و کارگزاران) تو باشند.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«حُسْنُ الشُّهْرَةِ، حِصْنُ الْقُدْرَةِ» (۳۰)

از طرفی با بیداری و هوشیاری، از انحراف، سقوط، غفلت، ناآگاهی و تقلید کورکورانه، دوری و پرهیز نماید. امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد که: «وَلَا أَعْمَى عَنْ سَبِيلِكَ» (۲۲)

«خدایا به راه تو کورو غافل نشوم.»

و چه پرتگاه خطرناکی است غفلت که خداوند می‌فرماید:

«وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ

سَبِيلًا» (۲۳) «و هر کس در این (دنیا) کور «دل» باشد در

آخرت (هم) کور «دل» و گمراه‌تر خواهد بود.»

بعد می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» (۲۴)

(انسان در قیامت) گوید:

«پروردگارا، چرا مرا نابینا محسوس کردی با آنکه من (در دنیا)

بینا بودم؟ (جواب می‌شنود):

«قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى»

(۲۵)

«(خداوند) می‌فرماید: همانطور که (تو در دنیا) آیات و

نشانه‌هایی که برای تو آمد فراموش کردی (و غافل شدی)

امروز همان گونه فراموش می‌شوی.»

«نیک‌نامی و سابقه خوب، نگاه‌دارنده قدرت است.»

۴- انقلابی و مجاهد راه خدا

«وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (۳۱)

«خداوند مجاهدان را بر وانشستگان افزونی و برتری داده است.»

۵- هجرت

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِم مِّنْ شَيْءٍ

حَتَّى يُهَاجِرُوا...» (۳۲)

«و کسانی که ایمان آوردند (ولی در راه خدا) هجرت نکردند، شما را نشاید دوستی و پیوند با آنها تا هجرت کنند.»

۶ و ۷- داشتن توان و قدرت کار و امانت‌دار

بهترین کسی که تو برای کار اجیر می‌کنی (دو صفت دارد):

«أَنْ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ»:

الف: «القوی» : «تواناست»

ب: «الأمین» : «امانت‌دار است.» (۳۳)

امانتداری به خصوص برای مسئولان حکومت اسلامی که امین اسلام، خون شهیدان و اعتماد مردم و بیت‌المال و امکانات نظام هستند از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

امام صادق علیه السلام درباره این مسئله حساس می‌فرماید:

«اگر قاتل حضرت علی علیه السلام شمشیری که با آن امام علی علیه السلام را به شهادت رسانده، به امانت نزد من بسپارد و سپس آن را طلب نماید، امانت را به او برمی‌گردانم.» (۳۴)

آری بدون شک قبول مسئولیت در نظام اسلامی یک امانت سنگین الهی است.

۸- لایق

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (۳۵)

«خداوند امر فرموده شما را که؛ امانات را به اهلش بسپارید.» در تفسیر این آیه آمده است که مسئولیت‌ها را به افراد لایق بسپارید.

آری مثل مجلس شورای اسلامی که وظیفه نماینده منتخب مردم قانونگذاری است، قانونگذار باید تا حدود زیادی، اسلام‌شناس، مکتبی و متعبد به قانون باشد.

۹- رشید

«فَإِنْ أَنْسَلْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ» (۳۶)

پس اگر از آنان رشدی (خردمندی و حسن‌تدبیر) دیدید مال‌هایشان را بدهید.»

◎ نشانه رشد

یکی از نشانه‌های رشد این است که اگر در صحنه رقابت، دیگری را از خود برتر و شایسته‌تر دید کار و سنگر را به او واگذار کند والا خیانت کرده است.

امیرمومنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ وَهُوَ يَرَى فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ فَقَدْ خَانَ

اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ» (۳۷)

«کسی که خود را بر مردم مقدم دارد (و بخواهد مسئولیتی را بپذیرد) و حال آنکه می‌بیند که دیگری بر او فضیلت دارد و

مقدم است (اگر کناره‌گیری نکند و مسئولیت را به او واگذار نماید) به خدا و پیامبرش و مومنین خیانت کرده است.»

۱۰- مقاوم

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا» (۳۸)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما بوده، از آن رو شکیبائی ورزیده (و بر مشکلات صبر نموده‌اند)»

۱۱- شجاع و قاطع

«لَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً» (۳۹)

«و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسند.»

۱۲- سوز و عشق به دین و مردم

حضرت موسی عليه السلام از خداوند سؤال کرد که چرا مرا برای پذیرفتن این مسئولیت انتخاب نمودی؟

خداوند فرمود: ای موسی در تو سوز و عشقی بود که در دیگران نبود. (۴۰)

۱۳- داشتن تجربه و حیا

علی عليه السلام به مالک اشتر درباره گزینش افراد برای واگذاری مسئولیت‌ها چنین می‌فرماید:

«وَتُوحَّ مِنْهُمْ أَهْلُ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ» (۴۱)

«و برگزین از آن‌هایی که باتجربه و با حیا هستند»

۱۴- داشتن اصالت خانوادگی

و آن حضرت در همان خطاب می‌فرماید:

«مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ» (۴۲)

«(فرد انتخاب شده) اصالت خانوادگی داشته باشد»

۱۵- داشتن روحیه خدمتگذاری

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»: «آقا و برترین مردم کسی است که

خدمتگذار آن‌ها باشد.» (۴۳)

امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران؛

«به من خدمتگذار بگویند بهتر است که رهبر بگویند.»

شهید مظلوم دکتر بهشتی علیه السلام :

«ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت»

رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای علیه السلام؛

«فلسفه وجودی ما نوکری و خدمتگذاری به مردم است.»

۱۶- قانون مدار

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ

اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (۴۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید: چرا سخنی می‌گوئید (و طرفداری و تصویب می‌کنید) که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی‌کنید.»
«قانونگذار» خود باید حریم قانون را نگه بدارد که او به حفظ و نگهداری و مقابله با قانون‌شکنی از هر کس سزاوارتر است.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي يَسَارِي مَا تَرَكْتُ

هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أَنْفَذَهُ أَوْ أَقْتَلَ دُونَهُ» (۴۵) «اگر خورشید را در

دست راستم و ماه را در دست چپم قرار بدهند هرگز از حرفی

که زده‌ام (از عهد و پیمان و قراردادی را که قبول کرده‌ام)

برنمی‌گردم تا آنکه یا به نتیجه رسیده و به آن عمل شود، یا در راه آن کشته شوم.»

کارگزار و مسئول نظام همان روزهای اول در مقابل خدا و اسلام و قرآن و امت سوگند یاد می‌کند که به وظائف و مسئولیت خود وفادار بوده و از آن تخطی ننماید.

۱۷- مدیر و نیرومند

علی علیه السلام می‌فرماید: «انَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ خَيْرٌ» (۴۶)

«بدرستی که شایسته‌ترین مردم، قوی‌ترین و داناترین آن‌ها به امر خدا در آن کاری است (که به او واگذار می‌شود).»

۱۸- متین و خوش‌برخورد

یکی از نشانه‌های لیاقت، صلاحیت و شایستگی، متانت و خوش اخلاقی است. که به خصوص هنگام تبلیغات انتخاباتی معرف شخصیت او می‌گردد. که آیا در زمان سخنرانی‌ها و معرفی خود، لیاقت‌های خود را جهت خدمتگذاری به اسلام و امت اسلامی مطرح می‌کند یا برای جلب توجه مردم رقیب خود را انگ زده، متهم و خراب می‌کند.

امیر مومنان علی علیه السلام اینچنین خود را معرفی می‌کند؛

- «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (۴۷) : «هر چه می‌خواهید از من سؤال کنید قبل از آنکه من در میان شما نباشم.

- «إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي» (۴۸): «من دارای آگاهی و بصیرتی هستم.»

- «وَإِنِّي لَعَلِّي يَقِينُ مِنْ رَبِّي» (۴۹): «بدرستی که من دارای یقین و باوری از جانب پروردگارم هستم.»

- «إِنَّ الْكِتَابَ لَمَعِيَ مَا فَأَرَقْتُهُ» (۵۰): «بدرستی کتاب (قرآن) با من است و هرگز از آن جدا نشده‌ام.»

۱۹- مردمی و دلسوز

داشتن پایگاه مردمی آن هم برمبنای ارزش‌های علم، ایمان، تقوا، سوز و عشق که در راه خدمتگذاری به اسلام و امت اسلامی به دست می‌آید، البته غیر از سر و صداها و تبلیغاتی و بوق و کرناها، خود یک ارزش مضاعفی است بر صلاحیت انسان در جهت مسئولیت‌پذیری که باید از طرف منتخبین مورد توجه ویژه قرار گیرد.

علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

«أَمَّا يَسْتَدَلُّ الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى السُّنَنِ عِبَادَةٍ» (۵۱) «راه شناخت بندگان صالح (و انسان‌های شایسته و مفید) آن است که همیشه مردم در راه خدا او را به خیر و نیکی یاد کنند.»

۲۰- سخت‌گیر در مصرف بیت‌المال

علی علیه السلام در خطاب به یکی از کارگزاران حکومتی می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلِكَ وَ قَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْفَيْءِ سَوَاءٌ» (۵۲)

«آگاه و بیدار باش؛ که از جانب مسلمین بردوش تو بر تساوی حقوق آن‌ها در مصرف بیت‌المال حقی است.»

۲۱ تا ۲۷ - خیرخواه، حق‌گرا، خاضع، فرمانبر، خالص، باهمت، معتدل و بدون انحراف

خداوند علت برگزیدن و انتخاب حضرت ابراهیم علیه السلام را چنین می‌فرماید:

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۵۳)

«ابراهیم (به تنهایی) امتی بود (خیرخواه) مطیع فرمان خدا، خالی از هر گونه انحراف، و از مشرکان نبود.»

«شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتِبَاءً وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۵۴)

«شکرگزار نعمت‌های پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود.»

«وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (۵۵)

«ما در دنیا به او (همت) نیکویی دادیم، و در آخرت از نیکان است.»

۲۸ - خوش اخلاق؛

اخلاق نیکو و شایسته و حسن ارتباط با مردم یکی از بهترین صفات کارگزار نظام اسلامی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از یاران به هنگام واگذاری مسئولیت می‌فرماید:

«أَحْسِنْ خُلُقَكَ لِلنَّاسِ» (۵۶)

«اخلاقت را با مردم نیکو گردان»

و علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يُرَاسُ مَنْ خَلَا عَنِ الْأَدَبِ» (۵۷)

«کسی که اخلاق اسلامی ندارد رئیس نمی‌شود. (نباید مسئولیت به او واگذار شود.)

۲۹ - ارتباط، پاسخگویی و رفع مشکلات مردم

چون فلسفه وجودی کارگزاران و مسئولان، خدمتگذاری به مردم است آن‌ها باید به صورت مستمر با مردم ملاقات و جلسه برگزار نموده تا شخصاً به مشکلات آن‌ها رسیدگی نمایند. چون خدمتگذاران مردم برای تأمین مصلحت عمومی، و رفع ابهامات و سؤالات و اعتراضات آن‌ها نیاز به ارتباط مستمر و مستقیم دارند. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا، تَفَرَّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا وَتَجْلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ» (۵۸)

«برای (مردم و) مراجعان خود وقتی قرار بده که شخصاً به نیاز آن‌ها رسیدگی کنی! جلسه عمومی و همگانی تشکیل بده و به خاطر خدایی که تو را خلق کرده در آن مجلس نسبت به مردم تواضع کن.»

۳۰ - حامی محرومان و مستضعفان

از وظایف اصلی کارگزاران نظام دینی حمایت از محرومان و مستضعفانی است که با پشتوانه رأی و حمایت آن‌ها به این مقام رسیدند.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ثُمَّ اللَّهُ، اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى، مِنَ الدِّينِ لَاحِيَلَةَ لَهُمْ مِنْ

الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسِ وَ الزَّمَنِ.» (۵۹)

«خدا را، خدا را، در مورد طبقه پایین، (سفارش می‌کنم) آن‌ها را که چاره ندارند، یعنی مستمندان، و نیازمندان و تهیدستان و از کارافتادگان»

۳۱- ساده زیست

هوای نفس در وجود هر انسانی لذت دنیا و زرق و برق آن را طلب می‌کند و دنیا هم با زیبایی‌های ظاهری خود دل انسان‌های ضعیف و کم‌ظرفیت را به لرزه می‌اندازد. یکی از خطرات جدی که کارگزاران و مسؤولان نظام را در همه حال با دردست داشتن مقام و قدرت و پول و امکانات تهدید می‌کند، گرایش به دنیا می‌باشد. که در این صورت، نفس سرکش با حالت طغیان و افزون‌طلبی مجالی را برای خدمتگذاری به جامعه و محرومان و مستضعفان باقی نخواهد گذاشت.

لذا مسئولی می‌تواند در خدمت‌رسانی و انجام وظیفه و مسئولیت خود موفق باشد که روحیه ساده‌زیستی را از دست ندهد و دنیا را به لقاءش ببخشد.

علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اميرُ الْقَوْمِ، اَضْعَفُهُمْ دَابَّةً، ... مَنْ لَا تَغْرَهُ الْمَطَامِعُ» (۶۰)

«بزرگ اجتماع کسی است که از ساده‌ترین وسیله سواری استفاده کند و چیزهای طمع‌انگیز او را به طمه نیاندازد.»
و در عبارتی دیگر می‌فرماید:

«وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ سَيِّدَ قَوْمِهِ، حَتَّى لَا يُبَالِيَ أَىُّ ثَوْبِيهِ

لَبَسَ» (۶۱)

«هیچ فردی بزرگ و آقا نمی‌گردد مگر اینکه برایش فرق نکند چه لباسی می‌پوشد (زندگی معمولی مثل عامه مردم داشته و دلبستگی به زخارف دنیا نداشته باشد).»

۳۲- شجاع

نهال اسلام با شجاعت بی‌نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و یاران باوفای آن‌ها به ثمر و باروری رسید. یکی از خصلت‌های لازم برای کارگزار و مسئول و بلکه هر مؤمن و مسلمان صفت شجاعت است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«كُنْ شَجَاعاً، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّجَاعَةَ» (۶۲)

«شجاع باش، بدوستی که خداوند شجاعت را دوست می‌دارد.»

و علی علیه السلام می‌فرماید:

«السَّخَاءُ وَ الشُّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ يَضَعُهَا اللَّهُ سَبْحَانَهُ، فَيَمْنُ

أَحَبَّهُ وَ امْتَحَنَهُ» (۶۳)

«بخشندگی و دلیری دو صفت بلند مرتبه‌ای هستند که خداوند در دل هر کس که او را دوست داشته و امتحان کرده باشد، قرار می‌دهد.»

آری اگر کارگزار این هدیه الهی را نداشته باشد در مقابل قدرت‌های شیطانی و استعمارگران و جهان‌خواران، ضعف نشان داده تسلیم می‌شود و کشور و نظام را به ورطه شکست و سقوط می‌کشاند.

و از طرفی در مقابل ضعف‌ها و عیب‌ها و کارشکنی‌ها و انحرافات دوستان داخل قدرت انتقاد و مخالفت را از دست می‌دهد.

۳۳- متخصص، کاردان و باتجربه

قرآن کریم در آیات خود به ما می‌آموزد که باید کارها را به دست افراد متخصص و کاردان و باتجربه سپرد. قرآن به نقل از حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید، که از اطرافیان خود پرسید:

«يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ»
«ای سران (کشور و کارگزاران من)، کدام یک از شما، تخت او (ملکه سبأ) را قبل از آنکه تسلیم من شود برایم می‌آورد؟»
یکی از آن‌ها در جواب گفت:

«أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (۶۴) «من آن‌را قبل از آنکه از مکانت بپا خیزی برایم آماده و مهیا می‌سازم، همانا من بر این کار توانا و امین هستم.»

حضرت یوسف علیه السلام به عزیز مصر چنین می‌فرماید:

«إِجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (۶۵)

«مرا بر خزانه‌های این سرزمین (بیت‌المال، اموال، اقتصاد و دارایی) بگمار که من نگهدارنده دانا هستم.»

ارزش انسان‌ها از دیدگاه علی علیه السلام به میزان توانایی به انجام امور است؛ «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» (۶۶)

«ارزش هر فردی به اندازه کار نیکو و پسندیده‌ای است که انجام می‌دهد.»

و لذا به مالک اشتر سفارش می‌فرماید:

در انتخاب مسئولین و مدیران و کارگزاران، از افراد متخصص و کاردان و باتجربه استفاده کن؛

«أَنْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ ... وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ» (۶۷) «در کارهای کارگزارانت اندیشه کن و افراد باتجربه و با حیا را به کار و مسئولیت بگمار»

۳۴- برخورداری از شعور سیاسی

در روایات معصومین علیهم السلام برخورداری کارگزاران حکومت از شعور سیاسی به عنوان یکی از شرایط مهم و نگهدارنده پایه‌های نظام یادشده است.

علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ حَسَنَتْ سِيَاسَتَهُ، دَامَتْ رِيَاسَتُهُ» (۶۸)

«کسی که سیاستش نیکو باشد ریاستش پایدار خواهد بود.»

در جایی دیگر می‌فرماید:

«حُسْنُ سِيَاسَةِ قِوَامِ الرَّعِيَّةِ» (۶۹)

«سیاست نیکو پایداری و استواری جامعه و مردم رادری دارد.»
نظام اسلامی نیاز به چنین افراد و کارگزارانی دارد چرا که بسیاری از روابط بین‌الملل و دنیای سیاسی امروز، بر اساس شیطنت‌ها و برخوردها، و روابط غیر انسانی بنا شده است.

۳۵- وفادار به ولایت مطلقه فقیه

در حدیث آمده:

«وَاللَّهُ لَوِ أَنَّ رَجُلًا صَامَ النَّهَارِ وَقَامَ اللَّيْلَ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ
وَلَايَتِنَا لَلْقِيَهُ وَهُوَ غَيْرُ رَاضٍ أَوْ سَاخِطٍ عَلَيْهِ» (۷۰)

«به خدا سوگند اگر کسی هر روز روزه بدارد و هر شب نماز
بخواند ولی رهبری و ولایت ما را نپذیرفته باشد در قیامت یا
مورد غضب خداست و یا حداقل از او راضی نیست.»

مخفی نباشد که به عقیده شیعه اصل «ولایت فقیه» ادامه
امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد.

بدون شک از مهم‌ترین عوامل به ثمر رسیدن و تداوم حکومت
دینی در گذشته، حال و آینده وجود رهبری جامع‌الشرایط و
فقیه آشنا به احکام الهی و سیاست بوده‌است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اصل «ولایت مطلقه
فقیه» به عنوان مهم‌ترین مرکز قدرت نظام مطرح شده‌است.
تا سازمان‌های مختلف تحت نظارت و رهبری او وظایف خود
را خوب انجام داده و از انحرافات آن‌ها جلوگیری شود.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه
است»

یعنی کلام او برای مردم و مسئولین و کارگزاران نظام حجیت
دارد و این مسئله از روایات معصومین علیهم السلام نشأت گرفته است.

در کلام امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال «عمر بن حنظله»
سفارش شده که؛ «هرگز به سلاطین جور مراجعه نکنید و
دستور مراجعه به ولی فقیه جامع‌الشرایط را صادر فرموده‌اند.»

(۷۱) و همچنین در کلام امام زمان علیه السلام آمده:

«مردم باید به فقیهان هر عصری مراجعه نمایند، چرا که آنان
حجت او بر مردم هستند و امام معصوم علیه السلام حجت خداوند
است.» (۷۲)

لذا اعتقاد به مسئله ولایت فقیه و رهبری و وفاداری بر آن، از
اساسی‌ترین شرایط یک کارگزار در حکومت اسلامی است. و
مطمئناً در غیر اینصورت حکومت دینی از آسیب در امان
نخواهد ماند.

۳۶- شخصیت دادن به افراد

مردم بندگان خداوند و به گفته امام خمینی علیه السلام ولی نعمت
مسئولان نظام بوده و آنان با رأی و نظر و پشتیبانی امت به
روی کار آمده‌اند، لذا لازم است که شخصیت افراد جامعه از
طرف مسئولین محترم حفظ شود.

حضرت ابراهیم علیه السلام از جانب خداوند مأمور می‌شود که فرزندش
اسماعیل را ذبح نماید.

در اجرای این فرمان الهی با فرزند نوجوانش مشورت کرده و
از او نظرخواهی می‌کند.

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى»

«فرزندم در خواب دیدم که باید تو را (در راه خدا) ذبح کنم!
پس بنگر نظر تو چیست؟»

اسماعیل در جواب پدر می‌گوید:

«يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ...» (۷۳)

«پدرم! هر چه به آن مأمور شده‌ای، اجرا کن»

۳۷- دوستی و مدارا کردن با مردم

خداوند درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (۷۴)

«رسولی از خودتان به سوی شما آمد که ناراحتی شما برایش سخت، و بر آسایش شما حریص و نسبت به مؤمنان رُؤوف و مهربان است.»

و رسول خدا ﷺ به مسئولان سفارش می‌فرماید:

«عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَالْعَفْوِ» (۷۵)

«بر تو باد که با (مردم) مدارا و گذشت برخوردنمایی.»

۳۸- احترام به دیگران

مسئول و کارگزار نظام باید با مهربانی و عطوفت با صبر و حوصله و در عین حال با منطق و استدلال با دیگران رابطه و برخورد نیکو داشته باشد.

و لذا به هیچ بهانه‌ای ما حق اهانت و بی‌ادبی و برخورد زشت و ناپسند و غیراخلاقی با مردم را نداریم؛ در حدیث آمده؛

«أَدَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسِ» (۷۶)

«دلیل‌ترین مردم کسی است که به دیگران اهانت نماید.»

اخلاق دینی ایجاب می‌کند که به کوچک و بزرگ جامعه احترام بگذاریم.

۳۹- استقامت و پشتکار

خداوند به پیامبرش می‌فرماید؛

«فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» (۷۷)

«(مردم را به سوی حق) دعوت نموده و در این راه با استقامت و ثابت قدم باش»

آری، صبر و استقامت و پشتکار راه رسیدن به مقصود است. چنانچه در جای دیگر می‌فرماید؛

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (۷۸)

«(ای رسول ما!) آنچنان که پیامبران بزرگ الهی صبر پیشه کردند توهم (برای رسیدن به هدف) صبر(و استقامت) را پیشه خود ساز.»

چرا که همه کارها برای رسیدن به نتیجه یکسان و همه راهها برای رسیدن به هدف هموار نیست.

۴۰- ارتباط منطقی و شایسته

کارگزار و مسئول نظام اسلامی در ارتباط با افراد زیرمجموعه خود باید روشی منطقی و خدایپسندانه را عمل کند و بر اساس مصلحت اسلام و امت برخورد نماید، ملاک‌های انتخاب و ارتباط او اسلامی باشد نه باندی و گروهی و حزبی و برگرفته از مسائل شخصی و هواهای نفسانی. معیار و محک این است که در ارتباطات آنچه دلش می‌خواهد و یا دوستانش مایلند عمل می‌کند یا آنچه مصلحت است.

امیرمؤمنان علیه السلام در خطاب به مالک اشتر می‌فرماید؛

«ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ، فَاسْتَعْمِلْهُمْ إِخْتِبَارًا وَ لَا تُؤَلِّهِمْ

مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِّنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ»

«پس در کارهای گارگزارانت نظر و اندیشه کن و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی، بکار وادار (تا دیانت و راستی و درستیشان را نیازموده‌ای بکاری مگمار) و آن‌ها را به میل خود و بخاطر کمک به ایشان بکاری مگمار زیرا بمیل و سرخود

کسی را به کاری گماشتن جمعی است از شاخه‌های ستم و نادرستی» (۷۹)

۴۱- مجاهد، نترس و سرسخت در مقابل دشمن
قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (۸۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کسی از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته و لایق ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست.»

از نشانه‌های ایمان نرمش با برادران دینی، جهاد در راه خدا و سرسختی در برابر دشمن است.

کسی که ایمان واقعی دارد، هرگز در برابر کافران و دشمنان احساس حقارت نمی‌کند. دلی که از ایمان و محبت خدا خالی شد بیمار و وابسته به بیگانگان می‌شود. آری مسئولیت در نظام اسلامی باید به عهده کسی گذاشته شود که عاشق خدا،

مجاهد، باصلابت و نترس بوده و با سرزنش‌ها، هوجبی‌گری‌ها و تبلیغات سوء دشمنان، تسلیم جو و محیط نشود.

۴۲- وطن دوست

یکی از ویژگی‌های مسئول و کارگزار نظام دینی وطن‌دوستی است، البته اسلام برای رابطه افراد و اعتقادات مرز نمی‌شناسد. بلکه هر مسلمانی باید در اندیشه‌رهایی همه مسلمین و مستضعفان عالم از مشکلات باشد و در این وادی برای همه محرومان عالم دل بسوزاند و در فکر و اندیشه برای کمک به آن‌ها باشد اسلام وائمه معصومین علیهم‌السلام مرزهای جغرافیایی قائل نیستند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۸۱)
«هر کسی صبح کند و در اندیشه امور مسلمانان و رفع مشکلات آن‌ها نباشد مسلمان نیست.»

ولی از طرفی حفظ ثغور و مرزهای مسلمین از خطرها و شبهات بر کارگزاران نظام اسلامی لازم است. چنانکه علی علیه‌السلام حفظ مرزها را از وظایف کارگزاران می‌داند و می‌فرماید:
«ذُذِّعَنْ شُرَاحِيبِ الدِّينِ وَ حُطُّ ثُغُورِ الْمُسْلِمِينَ» (۸۲)

«شریعت و دین را (از خطرات و شبهات) نگهدار و مرزهای مسلمین را حفظ کن.»

البته در این راستا کارگزار باید به فکر مردم وطن بوده و برای رفع مشکلات آن‌ها از هیچ تلاش و کوششی دریغ نرزد. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«عُمِّرَتْ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (۸۳)

«عمران و آبادانی شهرها، بواسطه وطن‌دوستی‌هاست.»

۴۳- وفادار بر دوستی

مسئولیت و مقام، انسان‌های کم‌ظرفیت را عوض می‌کند و اخلاق و رفتارشان را دگرگون می‌سازد. بنابراین چه بسیار افراد فداکار و علاقمندی که پس از گرفتن مقام، روحیه و روش آن‌ها عوض می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید؛

«إِذَا كَانَ لَكَ صَدِيقٌ فَوَلِّهِ وَلَايَةً فَأَصْبَتْهُ عَلَى الْعُشْرِ مِمَّا

كَانَ لَكَ عَلَيْهِ قَبْلَ وَلَايَتِهِ فَلَيْسَ بِصَدِيقٍ سَوْءٍ.» (۸۳)

«هرگاه دوستی داشتی که به ریاستی رسید و یک دهم علاقه و وفاداری قبل از ریاستش را به تو داشت (بدان بازهم) دوست بدی نیست.»

نشانه‌های بهترین انتخاب

۱- توکل بر خدا

یکی از نشانه‌های مومن آن است که در تمام امور به خداوند توکل کند و بر این اعتقاد باشد که خداوند بر هر چیز قادر، و بر همه امور ناظر، و دل‌های مردم هم به دست اوست.

«إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۸۴)

«خداوند بر همه چیز قادر است.»

«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (۸۵)

آیا نمی‌داند که خداوند می‌بیند (و بر همه چیز آگاه است).
حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگام بازسازی کعبه از خداوند چنین درخواست می‌کند؛

«فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (۸۶)

«پروردگارا: ... تو دل‌های مردم را توجه آن‌ها بساز.»

و در دعای هنگام تحویل سال می‌خوانیم؛

«يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْإِبْصَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ

حَوْلٌ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»

«خدایی که انقلاب دل‌ها و چشم‌ها و دگرگونی حالات به دست توست، ما را به بهترین حالت قرار بده.»

۲- آگاهی

خداوند می‌فرماید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۸۷)

«آیا آن‌ها که می‌دانند و آن‌ها که نمی‌دانند مساویند.»

۳- شناخت حق

در شناخت حق ملاک‌هایی است. که پیمودن راه راست را بر انسان آسان نموده و شک و دو دلی را دور می‌نماید.

© خاطره:

جنگ جمل توسط عایشه با تحریک طلحه و زبیر در مقابل امیرالمؤمنین علی علیه السلام بپا شد. در این رویا رویی آن حضرت دید یکی از یارانش گرفتار شک و دو دلی شده، به او فرمود:

شما را چه شده که چنین گرفتار شده‌ای؟ عرض کرد: می‌بینم یک طرف شما هستید و یک طرف هم دو تن از اصحاب و

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله (طلحه و زبیر)

حضرت فرمود:

اشتباه تو در این است که منطق و استدلال نداری و به جای ملاک‌ها و معیارهای ارزشی به دنبال آدم‌ها رفته‌ای؛

«اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ وَ اعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ» (۸۸)

«حق (را با منطق و ملاک) بشناس، اهلش را خواهی شناخت و باطل را (هم آنچنان) بشناس، اهلش را خواهی شناخت.»

۴- تحقیق و بررسی

خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا

قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.» (۸۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید. اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از

روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»

© به گفته یکی از مفسران؛

دستور خداوند درباره تحقیق خبر فاسق در صورتی است که جامعه سالم و محیط خبری دارای امنیت کامل باشد والا باید درباره هر چیز، و از هر کسی که می‌شنود تحقیق و بررسی نموده تا اطمینان حاصل نماید.

۵- شرکت همگانی

خداوند می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۹۰)

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید.»

همانگونه که قبلاً گفتیم یکی از مهمترین پشتوانه‌های نظام اسلامی پشتیبانی بی دریغ امت اسلامی در تمام صحنه‌ها و شرایط می‌باشد. و همیشه دشمن درصدد این است که این سد محکم الهی را شکسته و این پشتوانه مردمی نظام را سست و یا از بین ببرد. ولی بی‌شک حضور یکپارچه مردم در صحنه، هم امید دشمنان را قطع و هم نقشه‌های آنان را نقش بر آب

می‌نماید. که فرموده‌اند: «يُدَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»

«دست قدرت و یاری خداوند با جماعت است.»

۶- حفظ روحیه دوستی و برادری

خداوند می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»: «مؤمنان با هم برادرند.» (۹۱)

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.» (۹۲)

«و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر (و دوست و یکپارچه و از انگشتان متفرق به مشت تبدیل) شدید.»

وحدت، یکپارچگی، دوستی و برادری از ارزش‌های دینی است و در جامعه اسلامی که حضور در صحنه برای انجام وظیفه است این ارزش‌ها را نباید خدشه‌دار نماید.

۷- جهت یابی عبادی

از آنجا که سیاست ما همان دین ماست، انتخابات تنها یک کار سیاسی نیست بلکه عبادی و سیاسی است و لذا با قصد قربت و برای رضای خدا، بندگان شایسته خدا را برای انجام فرمان خدا و خدمتگذاری و نجات خلق خدا انتخاب کنیم. خداوند می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۹۳)

«من جن و انس (انسان) را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).»

۸- مشاوره

تحقیق و مشاوره از امور لازم یک انتخاب نیکوست. نگوئیم ما به یکی یا چند نفر رای خواهیم داد. ما برای مسکن، همسر،

شریک، چقدر تحقیق و مشاوره می‌کنیم حال فکر کنیم که در انتخابات سرنوشت کشور و خون شهداء را به دست چه کسی می‌دهیم؟ و کشور اسلامی را به چه کسی می‌سپاریم؟ رای ما کلید کشور است و مجلس و... خانه ملت شهید و مفقود و اسیر و معلول داده است. آن کلید و این خانه را به چه کسی می‌سپاریم؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«شَاوِرِ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ» (۹۴)

«در امور (زندگی و اجتماعی و سیاسی و...) خود با کسانی مشورت کن که از خداوند می‌ترسند (اهل ایمان و تقوا و ترس از حساب و کتاب قیامتند).»

آری مشورت با انسان‌های متدین و آگاه ضریب آگاهی و مصونیت از خطا و اشتباه را در انسان بالا می‌برد و اطمینان و آرامش بیش‌تری از راه و انتخابش پیدا می‌کند.

و در عبارتی دیگر می‌فرماید:

«مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ» (۹۵)

«کسی که با صاحبان اندیشه مشورت می‌کند، به راه راست هدایت می‌شود.»

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا» (۹۶)

«کسی که از رأی و نظر مختلف دیگران استقبال و استفاده کند، مواضع اشتباه و خطا را می‌شناسد.»

۹- توجه به پاسخگویی در قیامت

خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (۹۷)

«بدرستی که گوش و چشم و دل (این سه مورد به عنوان نمونه است) همه در مقابل خداوند مسئول بوده و باید در مقابل اعمال خود پاسخگو باشند.»

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (۹۸)

«نگهشان دارید بدرستی که آنها (در مقابل همه اعمال و رفتار خود) مسئول و پاسخگو هستند.»

با توجه به اینکه در قیامت مهم‌ترین سؤالات از ولایت است و در کشور امام زمان (عج) بعد از امامت و رهبری مهم‌ترین قدرت از آن رئیس‌جمهور و مجلس است. لذا مسئولیت سپردن کار به افراد تا قیامت ادامه دارد.

۱۰- بصیرت و هوشیاری

اسلام مشوق آن است که انسان تمام کارهایش را با آگاهی و بصیرت و هوشیاری لازم انجام داده تا به دام اشتباه و پشیمانی گرفتار نشود.

خداوند به گفته پیامبرش حضرت یوسف عليه السلام چنین می‌فرماید:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (۹۹)

بگو: «این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

۱۱- خالصانه

به گفته خداوند در قرآن تنها انسان‌هایی از شر شیطان و وسوسه‌های منحرف کننده او و هوای نفس به دور بوده و اهل نجات و رستگاری هستند که کارهای خود را فقط برای رضای خدا انجام دهند.

«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ

الْمُخْلِصِينَ» (شیطان بعد از رانده شدن از درگاه الهی خطاب

به خداوند) «گفت: به عزتت سوگند، همه آنان (انسان‌ها) را گمراه خواهم کرد. مگر بندگان خالص تو را» (۱۰۰)

پس حرکت و انجام وظیفه خالصانه باشد؛

- نه انتفاعی: که فردا قدرتی داشته باشد.

- نه انتقامی: چون من از فلانی بدم می‌آید.

- نه عاطفی: چون فامیلم یا دوستم یا... هست گر چه لایق تر از او هم باشد.

- نه صنفی: چون هم کار و هم لباس و... است. گر چه دیگری بهتر است.

- نه تعصبی: هم شهری، هم زبانی و... است.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خُلِعَ

رِبْقَةُ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ» (۱۰۱)

«کسی که (در انجام وظایف خود) تعصب داشته یا برای او

تعصب نمایند از دایره ایمان خارج می‌شود.»

- نه تقلیدی: که بدون شناخت، دلیل، منطق و اطمینان قابل توجه و عقلایی، از دیگران تقلید کورکورانه نموده و فکر کند

به وظیفه خود عمل نموده است.

- نه با منت و پشیمانی: کسانی که امروز کاری را انجام می‌دهند که فردا با منت به مقاصد خود برسند بدون شک زمانی که به هدف نامطلوب خود نرسیدند بر کرده خود پشیمان شده و راهی برای جبران نخواهند یافت.

۱۲- تبلیغات و رقابت سالم؛

اگر انسان‌ها به حسب وظیفه در میدان عمل حاضر شوند هرگز برای رسیدن به مقصد خود متوسل به راه‌های تخریبی و ایجاد هنجار در جامعه نخواهند شد، چون خداوند چنین رویه و خصلتی را در قرآن فرعون و طاغوتی معرفی می‌فرماید:

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ» (۱۰۲)

«پس او قوم خود را تحمیق و تحقیر کرده، او را اطاعت کردند.»

حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که:

«إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا ... وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقِ الْجَنَانِ، عَالِمِ اللِّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ» (۱۰۳)

«من بر امتم نه از مؤمن و نه از مشرک می‌ترسم ... تنها از شرکسانی بر شما می‌ترسم که در دل منافق هستند و در زبان دانا، سخنانی می‌گویند دل‌پسند، ولی اعمالی زشت و ناپسند دارند.» آری شعارهای توخالی و پوچ و وعده‌های دروغین و نشان دادن ظاهری فریبنده از موارد و مصادیق «نفاق»، «فریب» و «غش» است، و به دست آوردن اینگونه پست و ریاست و مقام خشم الهی را در پی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ أَسْرَ عَنْ رَعِيَّةٍ فَعَشَّهَا، لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ» (۱۰۴)

«کسی که ریاست جمعی را بخواهد، پس آن‌ها را (در رسیدن به آن) فریب دهد، خداوند خود را در حالت خشم ملاقات خواهد کرد.»

۱۳- عجله نکنیم؛ هشدار، هشدار، دقت، دقت

در حدیث بسیار جالبی از امام سجاد علیه السلام آمده است:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ حَسَنَ سَمْتَهُ وَ هَدَيْتَهُ وَ تَمَاوَتَ فِي مَنطِقِهِ وَ تَخَاضَعَ فِي حَرَكَاتِهِ فَرُويِدًا لَا يَغْرُكُمُ»

«هرگاه دیدید مردی را که خوش برخورد است و هیئت و روش وی خوب است و از خود زهد و عبادت نشان می‌دهد و در حرکات خود خیلی شکسته نفسی می‌نماید پس مهلت بدهید و عجله نکنید و شما را گول نزنند.»

○ عجله نکنیم، چرا؟

«فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يَعْجُزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَ رُكُوبُ الْحَرَامِ مِنْهَا لِضَعْفِ بُنْيَتِهِ وَ مَهَانَتِهِ وَ جُبْنِ قَلْبِهِ فَنَصَبَ الدِّينَ فَخَاكَهَا فَهُوَ لَا يَزَالُ يَخْتَلُّ النَّاسَ بِظَاهِرِهِ فَإِنْ تَمَكَّنَ مِنْ حَرَامٍ افْتَحَمَهُ»

«چه بسیارند افرادی که از به دست آوردن دنیا عاجزند و به دنیا نرسیدن آن‌ها به خاطر ناتوانی جسمی و یا عدم لیاقت و یا کمبود شخصیت یا ترس اوست (نه به خاطر ایمان و تقوی) آری چون ناتوان یا بی‌شخصیت و یا ترسو است دین را

دام برای رسیدن به دنیا قرار داده و دائماً مردم را با ظاهر خود گول می‌زنند و اگر می‌توانست به حرام برسد بی‌اختیار خود را در آن می‌انداخت.»

© باز هم صبر کنیم، چرا؟

«وَ إِذَا وَجَدْتُمْوهُ يَعْفُ عَنْ مَالِ الْحَرَامِ فَرُوداً لَا يَغْرُكُمْ فَانَّ شَهَوَاتِ الْخُلُقِ مُخْتَلَفَةٌ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يَنْبُوا عَنْ الْمَالِ الْحَرَامِ وَ أَنْ كَثَرَ وَ يَحْمِلُ نَفْسَهُ عَلَى شَوْهَاءِ قَبِيحَةٍ فَيَأْتِي مِنْهَا مُحْرَمًا»

«و اگر دیدید که از مال حرام هم دوری می‌کند باز هم صبر کنید و زود درباره خوبی او قضاوت نکنید زیرا شهوات مردم مختلف است. چه بسیاریند افرادی که از مال حرام کنار می‌گیرند و هر چه مال حرام را زیاد ببینند تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند اما خود را بر اعمال ناپسند وادار و مرتکب حرام می‌شوند.»

© مبدا گول بخوریم، چرا؟

«فَإِذَا وَجَدْتُمْوهُ يَعْفُ عَنْ ذَلِكَ فَرُوداً لَا يَغْرُكُمْ حَتَّى تَنْظُرُوا مَا عَقْدَةُ عَقْلِهِ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ تَرَكَ ذَلِكَ أَجْمَعُ ثُمَّ لَا يَرْجِعُ لِي عَقْلٍ مَتِينٍ فَيَكُونُ مَا يُفْسِدُهُ بِجَهْلِهِ أَكْثَرُ مِمَّا يُصْلِحُهُ بِعَقْلِهِ.»

«همینکه دیدید او از تمام اعمال ناپسند دوری می‌کند ولی باز هم شما را گول نزنند تا ببینید انگیزه‌ی عقل او چیست؟ زیرا بسیاریند افرادی که از تمام اعمال بد دوری می‌کنند اما

یک درایت و ریشه‌ی عقلانی ندارند. و لذا چون شعور فکری او کم است معمولاً به جای اصلاح دست به افساد می‌زند.»

© عزت پایدار یا ریاست باطله، کدام؟

«فَإِذَا وَجَدْتُمْ عَقْلَهُ مَتِينًا فَرُوداً لَا يَغْرُكُمْ حَتَّى تَنْظُرُوا مَعَ هَوَاهُ يَكُونُ عَلَى عَقْلِهِ أَوْ يَكُونُ مَعَهُ عَقْلُهُ عَلَى هَوَاهُ فَكَيْفَ مَحَبَّتَهُ لِلرَّاسَاتِ الْبَاطِلَةِ وَ زُهُدُهُ فِيهَا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ يَتْرُكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا...» (۱۰۵)

«و اگر دیدید دارای عقل متین هم هست باز شما را گول نزند و صبر کنید تا ببینید آیا با هوای نفس خود عقل را می‌کوبد یا با کمک عقل علیه هوای نفس گام بر می‌دارد و نسبت به ریاست‌های باطل چقدر علاقمند است زیرا در میان مردم کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیان‌کارند زیرا دنیا را رها می‌کنند نه برای خدا بلکه برای رسیدن به ریاست باطله دنیا زیرا لذت ریاست نزد او به مراتب از لذت مال و دنیا بیش‌تر است.» آن حضرت در پایان می‌فرماید؛

«انسان واقعی کسی است که ذلت با حق (عدم رویکرد

مقامات مادی و دنیایی) را از عزت با باطل بهتر بخواند.»

مطابق اصل شصت و هفتم قانون اساسی رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس در نخستین جلسه سوگند یاد می‌کنند که به استقلال، اعتلای کشور و حفظ حقوق مردم پای‌بند و مدافع قانون اساسی باشند و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهار نظرها استقلال، آزادی مردم و مصالح آن‌ها را مد نظر قرار دهند. حال با استفاده از سوگند و مروری بر متن قانون اساسی به اختصار شرایط داوطلب «اصلح» را مرور می‌کنیم؛

معیارهای بهترین در قانون

۱- پاسداری از حریم اسلام

بدیهی است کسانی می‌توانند از حریم و کیان اسلام پاسداری نمایند که علاوه بر اعتقاد به اسلام، نسبت به اجرای ضوابط و احکام اسلام در عرصه زندگی فردی و اجتماعی خود ملتزم باشند و این از مهم‌ترین شرایط است.

۲- نگاهبان دستاوردهای انقلاب و مبانی جمهوری اسلامی

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی است و استقلال و آزادی و اسلامی بودن کلیه قوانین و مقررات (اصل ۴ قانون اساسی) و ولایت مطلقه فقیه (اصول ۵ و ۵۷ و ۱۰۷ قانون اساسی...) و انجام امور کشور به اتکا به آراء عمومی (اصل ۶ قانون اساسی) از جمله مهم‌ترین دستاوردها به شمار می‌روند و هر یک از نامزدها که ضمن اعتقاد به این اصول و مبانی، بدان‌ها اظهار وفاداری نمایند و اعتقاد و التزام عملی آن‌ها شدت بیشتری از سایرین داشته باشد، اصلح (بهترین) می‌باشند.

۳- امانت‌داری

قبول مسئولیت نظام اسلامی یک امانت الهی است که از سوی مردم به افراد سپرده می‌شود و تنها کسانی از عهده این امانت برمی‌آیند که در همه امور امین و مورد اعتماد مردم باشند.

به گفته امیر مومنان علی علیه السلام ؛

«انَّ عَمَلِكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ اَمَانَةٌ»

(۱۰۶)

«بدرستی که عمل تو (و رای و اعتماد مردم) طعمه (چرب و آش دهن سوزی) نیست. بلکه به گردن تو امانتی است. (که باید در حفظ و حراست از آن کوشا باشی).»

۴- تعهد و تقوی

تعهد و تقوی به معنای پافشاری بر اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و پایبندی آن است که اخلاق اسلامی، ایمان، ساده زیستی و عدالت خواهی و قانون مداری و حسن شهرت از آثار تقوی و تعهد به شمار می‌آیند.

۵- پایبندی به استقلال و اعتلای کشور

یکی دیگر از معیارها، پایبندی فرد به استقلال و اعتلای کشور است.

پر واضح است کسانی که در مقابل دشمنان ملت و نظام و انقلاب اسلامی و این کشور مرعوب هستند و یا طرح‌های براندازی دشمن را در داخل کشور عملیاتی می‌کنند شایستگی ورود به خانه ملت را ندارند و ملت به نمایندگانی شجاع، فهیم و دشمن شناس و دشمن ستیز احتیاج دارد.

۶- تقدم مصالح مردم و نظام بر منافع فردی و گروهی

هر کارگزار در برابر تمام ملت مسئول است. (اصل ۱۱۴ قانون اساسی) و باید در کلیه اظهار نظرها و تصمیم‌گیری‌ها و کردار فردی و اجتماعی‌اش مصالح و منافع امت اسلامی و نظام اسلامی را بر مصالح و منافع فردی، گروهی و قومی‌اش ترجیح بدهد.

دیدگاه‌ها درباره انتخاب بهترین

۱- متعهد به اسلام

«افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام، شرقی و غربی نباشند، بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند.» (۱۰۸)

۲- عدم وابستگی به فرهنگ بیگانه

«مراقب باشید به بهانه نوآوری و روشنفکری تحت تاثیر فرهنگ سلطه جویی بیگانه قرار نگیرند.» (۱۰۹)

۳- پایبندی به استقلال و عزت

«افراد سالم، افراد وطن‌خواه، افراد وطن دوست... باشند انتخاب کنید و به آن‌ها رای بدهید.» (آری) در سایه اسلام می‌توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم.» (۱۱۰)

۴- نگرهبانی و پاسداری از اسلام

«افرادی که تعهدی به اسلام ندارند و نسبت به مقررات اسلامی پای‌بند نیستند، شایسته حضور در مجلس نیستند.» (۱۱۱)

۵- پاسدار دستاوردها و مبانی

«کسانی می‌توانند وارد صحنه رقابت (انتخابات) شوند که به اسلام، نظام اسلامی، قانون اساسی و امام (ره) معتقد باشند و کسانی که این اصول را قبول ندارند. نباید وارد این صحنه شوند.» (۱۱۲)

۶- داشتن روحیه خدمتگذاری

«مجلس شورا هم نمی‌خواهیم که از طبقه بالا درست بشود، مجلس شورا می‌خواهیم از آدم‌هایی (درست بشود) که متوجه‌اند به این ملت چه گذشته است.»

۷- خدمتگذاری به ملت

ارتباط مستمر با مردم به ویژه طبقه محروم و مستضعف و رعایت حال آنان از نشانه‌های شایستگی و «بهترین» هاست. (۱۰۷)

«نمایندگان محترم باید... وظیفه کمک به محرومان را سرلوحه مسئولیت‌های نمایندگی خود قرار دهند.»

۷- تعهد و تقوی در اعتقاد و عمل

«باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آن‌ها می‌رود رای ندهند احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی یا اخلاقی باعث می‌شود که به چنین اشخاصی اعتماد نشود کرد و رای به آنان موجب مسئولیت خواهد بود.» (۱۱۳)

«اگر کسی فاسد است نباید وارد مجلس شود حالا فساد اعم است از فساد مالی و فسادهای گوناگون اخلاقی یا فساد عقیدتی و سیاسی، همه این‌ها فساد است.» (۱۱۴)

۸- مقدم داشتن مصالح اسلام و امت

«سرنوشت اسلام و کشور را به دست کسانی دهید که منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند.»
«برادران و خواهران نماینده را به اجتناب از گروه‌گرایی، مقدم داشتن مصالح کشور و مردم بر مصالح شخصی و گروهی ... توصیه می‌کنم.» (۱۱۵)

۹- نترس و آگاه

«کسانی را که انتخاب می‌کنید، باید مسائل را تشخیص دهند، نه از افرادی باشند که اگر روس یا آمریکا یا قدرت دیگری تشر زد بترسند. باید بایستند و مقابله کنند.» (۱۱۶)

۱۰- امین و صادق

«باید اشخاص امین و صادق در مجلس شورا بروند که مقررات شما را بر طبق خواسته‌های خدای متعال پیاده کنند.» (۱۱۷)

۱۱- معتقد به اسلام، جمهوری اسلامی و قانون اساسی

«سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی معتقد باشند.» (۱۱۸)

۱۲- حرام بودن اشغال پست برای نااهل

«اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است، ولی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را آن‌طور که امام ترسیم کرده‌است و در قانون اساسی تجسم پیدا کرده در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است.» (۱۱۹)

۱۳- صاحب درک و فهم سیاسی

«نماینده باید دارای درک و فهم سیاسی باشد و مسائل کشور را بفهمد، هم مسائل خارجی و توطئه‌های دشمنان را و هم مسائل داخلی را ... احساس مسئولیت، دلسوزی و وجدان سیاسی داشته باشد.» (۱۲۰)

۱۴- امانت‌دار و کاردان و لایق

«با چشمانی باز کسانی را انتخاب کنید که در درجه اول باایمان باشند و ضمن کاردانی و لیاقت، رأی مردم را امانت بدانند و به اعتماد مردم پاسخ صحیح دهند.» (۱۲۱)

۱۵- وطن‌دوستی

«افراد سالم، افراد وطن‌خواه، افراد وطن‌دوست، افرادی که نه شرقی و نه غربی، بلکه در صراط مستقیم اسلامیت و انسانیت باشند، انتخاب کنید و به آن‌ها رأی بدهید.» (۱۲۲)

۱۶- صاحب بصیرت در دین و دنیا

«رأی خود را به شخصی که دارای بصیرت در امر دین و دنیا و منزله از گرایش به شرق و غرب و مکتب‌های انحرافی و دارای دید سیاسی است، بدهید.» (۱۲۳)

۱۷- متعهد، متفکر، دلسوز

«نمایندگانی متعهد، متفکر، دلسوز به ملت و به خصوص به طبقه مستضعف و خدمتگزار به اسلام و مسلمین در مجلس شورای اسلامی بفرستید.» (۱۲۴)

۱۸- به فکر محرومان و مستضعفان

«وکلاهی مجلس، از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند» (۱۲۵)

۱۹- حسن سابقه، خیرخواه و وفادار

«ملت مبارز متعهد، با مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروه‌ها، آرای خود را به اشخاصی می‌دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلامی و خیرخواهی امت، معروف و موصوف باشند.» (۱۲۶)

۲۰- انقلابی، مؤمن، شجاع

«آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی، مؤمن و شجاع باشد: اگر نگوییم شجاع‌ترین، مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین باشد. مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنیم.»

۲۱- داشتن روحیه نشاط، برنامه و امتحان داده؛

«نماینده مطلوب کسی است که علاوه بر داشتن روحیه نشاط، و امید انقلابی، خدمت، امتحان داده، باکفایت، خوشنام، و دارای برنامه باشد.» (۱۲۷)

۲۲- انتخاب «اصح»

«مردم باید به فکر شناخت اصح باشند، چون چیز کوچکی نیست.» (۱۲۸)

۲۳- ساده‌زیستی

«اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به‌در نکند، خود را به ساده‌زیستن عادت دهید. و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند اکثراً ساده زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند.» (۱۲۹)

۲۴- سیاستمدار، اقتصاددان و مطلع

«مجلس اشخاص سیاسی لازم دارد، اشخاصی اقتصاددان لازم دارد، سیاستمدار لازم دارد، اشخاصی مطلع بر اوضاع جهان لازم دارد.» (۱۳۰)

۲۵- فدایی اسلام بودن

«اسلام چیزی است که همه ما باید فدایی آن بشویم، تا اینکه تحقق پیدا کند. اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه ما باید از بین برویم تا حفظش کنیم. در سایه اسلام، می‌توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم.» (۱۳۱)

۲۶- رقابت و تبلیغات سالم

«افرادی که می‌کوبند، می‌زنند، زحمت می‌کشند، پول خرج می‌کنند و انواع و اقسام تلاش‌ها انجام می‌دهند تا به این امتیاز دست پیداکنند ... در فرهنگ (اسلامی) حاکم بر مجموعه ما این دیدگاه مردود است. (بلکه باید) به عنوان یک مسئولیت، یک ادای وظیفه و یک صحنه کارآمد برای خدمت نگاه کنیم.» (۱۳۲)

فارش و توصیه‌ها

۱- پرهیز از کناره‌گیری

«امروز شاید گناهی بالاتر از کناره‌گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک صحنه انقلاب پذیرفته نمی‌شود.» (۱۳۵)

۲- آزمایش

«انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلح بکنید، برای خودتان یا برای اسلام.» (۱۳۶)

۳- رعایت اخلاق

«عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوق‌ها هجوم آورید و آراء خود را در آن‌ها بریزید و با کمال آرامش و مراعات اخلاق انسانی اسلامی این امر مشروع (و وظیفه دینی، سیاسی عبادی) را انجام دهید.»

۴- پرهیز از هواهای نفس

«باید ملت شریف ایران بدانند که اسلام عزیزتر از آن است که برای هواهای نفسانی و جلب توجه گروه‌ها یا اشخاصی پشت به آن نموده و مقاصد فانی خود را بر مقاصد عالی و باقی حق تعالی مقدم دارند.» (۱۳۷)

۵- شورای نگهبان و انجام وظیفه

«از شورای نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده، که با کمال دقت وظایف

«لازم است مطلبی را که گاهی شنیده می‌شود که برای تبلیغات انتخاباتی بعضی از کاندیداها، خدای ناخواسته بعضی دیگر را تضعیف یا توهین می‌کنند، در رابطه با آن تذکر دهم که امروز این نحو مخالفت‌ها، خصوصاً از چنین کاندیداهایی، برای اسلام و جمهوری اسلامی، فاجعه‌آمیز است.» (۱۳۳)

۲۷- غیرمنحرف

«باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود رأی ندهند، احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی یا اخلاقی، باعث می‌شود که به چنین اشخاصی اعتماد نشود کرد.» (۱۳۴)

اسلامی و ملی خود را ایفاء و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوید.» (۱۳۸)

۶- نگرهبانی از اسلام

«از حضرات فقهای شورای نگهبان تقاضا می‌شود که در ماموریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص و یا گروه‌های انحرافی را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خود قیام و اقدام نموده و نگرهبانی از اسلام و احکام شرعی آن نمایند.» (۱۳۹)

«بدون اینکه به کسی اعتنا کنید اجرایش را خوب و موافقت شرع و موافق اسلام و موافق مصالح کشور اجرا کنید.» (۱۴۰)

۷- مراقبت از خرابکاران

«باید مراقب باشید که آدم‌های اهل سوءاستفاده و بی‌اعتقاد به رسالت انقلابی و نمایندگی و کسانی که می‌خواهند فقط وارد مجلس شوند تا سوء استفاده بکنند و خدای نکرده خرابکاری انجام بدهند، وارد مجلس شوند.» (۱۴۱)

۸- پرهیز از تضعیف شورای نگهبان

«من به آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور اسلامی است.» (۱۴۲)

۹- اجتناب از گروه‌گرایی

«برادران و خواهران نماینده را به اجتناب از گروه‌گرایی و مقدم‌داشتن مصالح کشور و مردم بر مصالح شخصی و گروهی و ... توصیه می‌کنم.» (۱۴۳)

۱۰- پرهیز از اختلاف

«من نصیحت می‌کنم، من از لسان اسلام به آن‌ها نصیحت می‌کنم که با هم اختلاف نکنید، شما اگر اختلاف بکنید راه را برای دیگران باز می‌کنید، چه میراثی هست که شما می‌خواهید قسمت کنید و سرش اختلاف می‌کنید؟ این همه

مردم جوان‌هایشان را (در راه اسلام) دادند، میراث برای شما نگذاشته‌اند که اختلاف با هم بکنید.»

«اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و هم‌صدا و هم‌جهت باشیم، از هیچ چیز نباید بترسیم... ترس آن موقعی است که رؤسا با هم اختلاف داشته‌باشند و مردم در صحنه نباشند.» (۱۴۴)

۱۱- اتمام حجت

«من احساس وظیفه می‌کنم، به ملت عرض کنم و اگر ملت به این حرف گوش نکرد، من حجت دارم، فردا در پیشگاه خدای تعالی از من سؤال خواهد شد، من عرض می‌کنم که به ملت، مصالح و مفاسد را گفتم.

من گفتم به این که اگر شما مسامحه کنید (و از صحنه بیرون بروید) آن‌هایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آن‌هایی که با اسلام مخالفند، آن‌هایی که با جمهوری اسلامی از اول تا حالا مخالفت کرده‌اند، آن‌ها پیش خواهند برد.» (۱۴۵)

۱۲- مشورت

«در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشن‌فکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر، و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علماء و روحانیون باتقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نمایید.» (۱۴۶)

«کسانی که زبانی گویا و قلمی توانا و آبرویی بیش مردم دارند... مردم را توجیه و تشویق کنند و آدم‌های خوب را به آن‌ها معرفی نمایند.» (۱۴۷)

۱۳- انتخاب اصلح

«انتخاب اصلح برای مسلمین، یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد و همه چیز را بفهمد... و ممکن است به شما و گروه شما مربوط نباشد، که اگر اصلح را انتخاب کردید، کاری اسلامی می‌کنید و این یک محک است برای خودتان که تشخیص بدهید، که انتخاب برای اسلام است، یا برای صلاح خودتان.» (۱۴۸)

۱۴- مقابله با سازشکار

«هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی محابا و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را از صحنه روزگار براندازید.» (۱۴۹)

۱۵- طرفداری از سیاست نه شرقی و نه غربی

«سیاست نه شرقی و نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و روابط خارجی حفظ کنید و کسی را که خدای ناخواسته به شرق و یا به غرب گرایش دارد هدایت کنید و اگر نپذیرفت او را منزوی نمایید.» (۱۵۰)

۱۶- ادب و اخلاق اسلامی

«رعایت تقوا و اخلاق و ادب اسلامی از جمله مسائل مهم و قابل توجه است... بی‌گمان هنگامی که ارزش‌های اخلاقی و حسن مسئولیت مشاهده شود، فضای کشور به عطر این خصال پسندیده معطر خواهد شد.» (۱۵۱)

۱۷- رعایت اخلاق انتخاباتی

«من بسیار مایل هستم، گروه‌هایی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت

نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند، از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می‌کند و موجب تبلیغات سوء از (طرف آنان) می‌شود.»

۱۸- امانتداری

«تو مکلفی حفظ کنی (نظام را)، امانت خداست. خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم امانت الهی را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود (ارواحنا لمقدمه الفداء) رد کنیم.» (۱۵۲)

«آری اگر مفهوم امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری به حق دانسته و شناخته شود آنگاه شاید در روز روشن، چراغ به دست، در پی یافتن از خودگذشتگان خداجویی بگردیم که عمر و زندگیشان را وقف صلاح و مصلحت ملک و ملت کنند، آنگونه که مدرس بود.» (۱۵۳)

سخنی با داور طلبین

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ
أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى
طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ.»

- هدف از تشکیل دولت کریمه اسلامی چیست؟

(الف) عزت بخشیدن به اسلام و مسلمین.

(ب) خوار و ذلیل شدن کفار و منافقین.

(ج) دعوت عمومی در جهت اطاعت الهی، در سایه پیاده شدن احکام اسلام.

(د) امام و الگو شدن امت اسلام برای دیگر ملت‌های مستضعف دنیا.

(ه) بزرگواری و کرامت در دنیا و آخرت برای امت اسلام، مسئولان و کارگزاران آن‌ها.

انقلاب اسلامی ایران برای این نبود که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند، انقلابی که با خون هزاران شهید، و معلول و مجروح با برقراری حکومت اسلامی و استقرار پایه‌های نظام دینی به ثمر رسید. برای این بود که ارزش‌ها تغییر کند. در نظام الهی، اسلامی، ارزش انسان‌ها به عبودیت خدا و بندگی اوست. کارکردن برای رضای خدا، ترسیدن از او، و نترسیدن از غیر او، از خداخواستن، و در راه خدا تلاش و کوشش کردن، به فکر محرومان و مستضعفان بودن، تدبیر کردن در آیات

الهی، و کمر همّت بستن برای اصلاح مفاسد جهانی و بشری است.

لازمه رسیدن به این اهداف آن است که مسئولان نظام و کارگزاران آن اول از خود شروع کنند. قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۱۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خویش از آتش که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که قاطع و سخت‌گیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند!»

نگاهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر، و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه برای کارگزاران نظام اسلامی دارای دو محور اساسی است .

الف: مردم سالاری دینی.

ب: شایسته سالاری در انتخاب و گزینش افراد برای واگذاری مسئولیت‌ها.

مسئولانی در جامعه و نظام دینی می‌توانند خدمتگذار اسلام و امت باشند که شایستگی لازم را در این زمینه داشته باشند که در غیر این صورت، اگر افرادی که می‌دانند لیاقت پذیرش مسئولیتی را ندارند و یا مردم می‌دانند که شایستگی لازم

برای واگذاری این پست‌ها موجود نیست هر دو در پذیرش و انتخاب به اسلام و مسلمین خیانت کرده اند.

رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُمْ وَ اعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ» (۱۵۵)

«هر کس شخصی را مأمور رسیدگی به امور مردم نماید در حالی که می‌داند در میان مردم شخصی بهتر از او و آشناتر به کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارد به یقین به خدا و پیامبرش و مسلمین خیانت کرده است.»

پس قبول مسئولیت در نظام دینی، به دوش کشیدن بار مسئولیتی بسیار سنگین است. کسی باید اعلام آمادگی برای خدمتگذاری نماید که همواره سیاستش مبتنی بر تکلیف‌گرایی باشد. که تکلیف‌گرایی هم نوعی ضابطه‌جویی و قانون‌گرایی می‌باشد. نه گروه‌گرایی، دنیاگرایی، باندبازی و استفاده ابزاری از عناوین و قوانین.

وجود این اخلاق و اصول نشانه تعهد افراد به اسلام و امت اسلامی می‌باشد.

با این مقدمه برای عزیزانی که آمادگی خود را برای پذیرفتن مسئولیت‌های مختلف اعلام نموده‌اند تذکراتی را لازم می‌دانیم:

۱- تسلیم بودن در مقابل مصلحت

بر این اساس کسی که انتخاب می‌شود مغرور نخواهد شد و کسی که انتخاب نمی‌شود مأیوس نمی‌شود و ناراحت نمی‌گردد. قرآن می‌فرماید:

«... وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۱۵۶)

«... و چه بسا چیزی را که ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است و خداوند (صلاح شما را می‌داند) و شما نمی‌دانید.»

۲- مسئولیت بسیار سنگین است

مسئول و کارگزاری که با پشتوانه رأی مردم به این پست و مقام می‌رسد در مقابل همه مسئول است و باید هم در دنیا و هم در آخرت پاسخگو باشد. در حدیث جامع و جالب از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ...» (۱۵۷)

«بدانید (آگاه و هوشیار باشید) همه شما نگهبانید، و همه در برابر کسانی که مأمور آنها هستید مسئولید. امیر و رئیس (و کارگزار و مسئول) حکومت اسلامی نگهبان مردم و در برابر آنها مسئول است.»

موضوع در نزد پیامبر اکرم ﷺ آنقدر اهمیت دارد و سنگین است که در آخر کلام دوباره می‌فرماید:

«أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ، وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.»

پس در حقیقت کسی که به واسطه آرای مردم مسئولیتی سنگین به او واگذار و انتخاب می‌شود، باید به خداوند در انجام مأموریت خود توکل نماید و کسی که انتخاب نشد، خداوند را

شکرگزار باشد که برای خدمتگذاری در نظام دینی اعلام آمادگی کرد و این بار سنگین به دوشش نیامد.

© خاطره

گویند؛ پیرزنی خدمت مرحوم آیت‌الله‌العظمی حجت علیه السلام رسید و مقدار کمی خمس و سهم امام به ایشان تقدیم نمود و به موقع خداحافظی به ایشان خیره شد و نگاه می‌کرد. از او سؤال شد چرا به آقا نگاه می‌کنی؟

پیرزن گفت: می‌خواهم خوب آقا را بشناسم و فردای قیامت به خدا و مأموران الهی بگویم که من خمس خود را به این شخص واگذار کردم، از او بپرسید که آنرا در چه راهی مصرف کرده‌است؟

۳- مسئولیت امانت است

علی علیه السلام در این باره خطاب به مالک اشتر می‌فرماید؛

«انَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ اِمَانَةٌ»
(۱۵۸)

«بی‌گمان، کاری که به تو سپرده شده، نه لقمه چرب و نرم بلکه بار امانتی است (بسیار سنگین) به گردنت.»

قابل توجه است که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در لحظات آخر عمر خویش با تأکید بسیار به من سفارش فرمود:

«امانت را ادا کن، به نیکوکار و بدهکار، چه کم و چه زیاد، حتی اگر نخ و سوزنی باشد.» (۱۵۹)

حال اگر از نظر اسلام امانت‌داری در مورد یک نخ و سوزن، لازم و ضروری و مورد تأکید پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد،

قبول مسئولیت در نظام اسلامی تا چه اندازه لازم و ضروری خواهد بود؟

در عبارت دیگر علی علیه السلام چنین می‌فرماید؛

«إِنَّمَا يَسْتَحِقُّ السِّيَادَةَ ... مَنْ لَا تُغْرَهُ الْمَطَامِعُ» (۱۶۰)

«بدرستیکه کسی مستحق مقام، آقای و بزرگی است که چیزهای طمع‌انگیز او را به طمع نیاندازد.»

لذا مسئولین نظام اسلامی همواره به مقامات خود باید به دید امانت الهی و مردمی نگاه کرده و خود را برای رد امانت و پاسخگویی آماده و فریاد امام علی علیه السلام بر نماینده خود (عثمان بن حنیف) را که بر سفره رنگین حاضر شده بود آویزه گوش خود داشته باشند.

۴- عاقبت کار از شروع مهم‌تر است

حضرت یوسف علیه السلام با همه فراز و نشیب‌هایی که در زندگی خود داشت همین که به حکومت رسید به حضور پروردگارش چنین گفت:

«رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ ... تَوْفَنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي

بِالصَّالِحِينَ» (۱۶۱) «پروردگارا؛ تو مرا (بهره‌ای) از حکومت

دادی ... مرا تسلیم خود بمیران و (با عاقبت به خیری) به شایستگان ملحق فرما.»

آری رسیدن به قدرت و حکومت و سیاست پرتگاهی است که زمینه خروج از دین است، مگر اینکه خداوند لطف کند.

حضرت یوسف علیه السلام در چاه دعایی داشت و در زندان دعایی دیگر، ولی همین که به مقام و منصب دنیا رسید از خدای خود عاقبت به خیری را طلب نمود.

اولیاء خدا این چنین هستند وقتی به عزت و قدرت و مقامی می‌رسند فوراً به یاد خدا می‌افتند و به عاقبت کار می‌اندیشند. که این هم نشانه بندگان صالح خداوند است که با روی آوردن دنیا به آن‌ها از یاد خدا و قیامت غافل نمی‌شوند.

۵- در راه خدا شکست نیست

کسی که با انگیزه الهی و به دست آوردن رضای حق و رضوان الهی خود را برای خدمتگذاری در نظام دینی آماده کرده، در هیچ حالی نباید احساس شکست کند مگر زمانی که در انجام مسئولیت و مأموریت تقصیر و کوتاهی کرده باشد. حال اگر در میان جمعی، مردم امانت خود را به دیگری واگذار نمودند نباید احساس شکست در ما ایجاد شود که این مسئله کم‌کم با وسوسه شیطان و هوای نفس تبدیل به عقده گردیده و از خدمتگذاری در سنگرهای دیگر هم باز بمانیم. در حدیث آمده:

«لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلَ مَصْرِكٍ وَ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوْءٍ لَمْ يَخْزُنْكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يُسِرُّكَ وَ لَكِنْ أَعْرَضَ نَفْسَكَ عَلَيَّ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ.» (۱۶۲)

«اگر مردم شهر و دیار تو گفتند: تو مرد بدی هستی ناراحت نشو، و اگر هم گفتند: تو مرد خوب و شایسته و صالحی هستی خوشحال و مسرور نشو، بلکه خود را به کتاب خدا (قرآن) عرضه کن.»

(پس اگر ملاک‌های انسان صالح در تو بود خوشحال باش و آن‌ها را از جانب خدا و لطف او بدان و اگر خدای ناکرده نشانه‌های انسان‌های ناصالح در تو بود در جهت اصلاح برآی.)

پس می‌توان گفت در مقابل ستایش‌ها:

«إِقْرَأْ كِتَابِكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (۱۶۳)

«نامه اعمال را بخوان، کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی.»

چرا که انسان از همه بهتر به وضع خویشتن آگاه است. مفهوم گسترده این آیات شامل دنیا هم هست. هر چند گروهی با دروغ و پشت‌هم‌اندازی و ظاهرسازی و ریاکاری چهره واقعی خویش را مکتوم و پنهان می‌دارند.

از سوی دیگر قرآن برای کسانی که دوست دارند که فضائلی که در آن‌ها نیست و کارهای خوبی که انجام نداده‌اند، ستایش شوند و عده عذاب داده و می‌فرماید:

«وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَ يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»

(۱۶۴) «گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند، شادمانی می‌کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده‌اند ستایش شوند، مپندار که آن‌ها از عذاب الهی رسته‌اند، (زیرا) برای آن‌ها عذابی دردناک است.»

© مردم سه دسته‌اند:

الف- گروهی کار می‌کنند و انتظار پاداش و تشکر از مردم ندارند. این نشانه اخلاص است.

«لَا تُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا» (۱۶۵)

ب- گروهی که کار می‌کنند تا مردم بدانند و ستایش کنند. و این نشانه ریا و سقوط عمل است.

«رِئَاءِ النَّاسِ» (۱۶۶)

ج- گروهی که کار نکرده، انتظار ستایش از مردم دارند. این‌ها هم عذابی دردناک در پیش رو دارند.

«يُحِیُونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا»

- از مواردی که غیبت جایز است، در مورد کسی است که ادعای مقام یا تخصصی یا مسئولیتی یا فعالیتی را می‌کند که صلاحیت آن را ندارد.

راه مقابله با این مسئله در اسلام ممنوع بودن تملق و چاپلوسی است. رذایل اخلاقی هم‌چون عجب و غرور و انتظار تملق از مردم، نشانه کسانی است که گرفتار اوهام خودپرستی و اسیر زندان «منیت» می‌باشند. که اینان در قیامت نیز اسیر و گرفتار عذاب الهی‌اند. (۱۶۷)

۶- تسلیم مقدرات الهی باشیم

گرچه انسان‌ها برای انجام تکالیف اسلامی و شرعی خود باید تلاش و کوشش بنمایند ولی اراده و خواست خداوند هم در انجام و به ثمر رسیدن آن شرط اساسی است. چون خداوند برای همه انسان‌ها مقدراتی دارد. آری خداوند بر همه چیز قدرت دارد ولی خداوند با حکمت امور انسان را اندازه‌گیری می‌فرماید. لذا ما باید در مقابل مقدرات خدای حکیم تسلیم باشیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ»

«اما انسان هنگامی که خداوند او را برای آزمایش اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد(مغرور می‌شود و) می‌گوید: پروردگرم مرا گرامی داشته!»

«وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (۱۶۸)

«و اما هنگامی که برای امتحان، روزی را بر او تنگ بگیرد مأیوس می‌شود و می‌گوید: پروردگرم مرا خوار کرده!»

انسان در هر حال آزمایش می‌شود و آزمایش الهی گاه با بخشیدن نعمت و گاه با سلب آن و گاه با انواع مصیبت‌ها و بلاها می‌باشد. انسان‌هایی که دارای ظرفیت‌اند و دارای ایمان، توکل، تقوا و روحیه تسلیم، نه به هنگام روی آوردن دنیا و نعمت‌هایش مغرور می‌شوند و مست و غافل، نه زمان محدود شدن آن نومید و مأیوس. چون بر این باورند که دنیا میدان آزمایش است و انسانی از این معرکه پیروز و سربلند بیرون رود که وابستگی به آن نداشته باشد.

۷- عزت و ذلت به دست خداوند است

قرآن می‌فرماید:

«... أَيْتَنُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (۱۶۹)

«آیا عزت را نزد آنان(غیر از خدا) می‌جویند؟ همانا عزت به تمامی از آن خداست.»

عزت تنها به دست خداوند است. چون او سرچشمه علم و قدرت و خوبی‌هاست. لذا قرآن می‌فرماید:

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي مَنْ تَشَاءُ وَتُنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِبَدِكِ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱۷۰)

«بگو: خداوندا! تو صاحب فرمان و سلطنتی، به هر کس (طبق مصلحت و حکمت خود) بخواهی حکومت می‌دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می‌گیری و هر کس را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می‌نمایی، همه خیرها تنها به دست توست. همانا تو بر همه چیز توانایی.»

پس مالک واقعی تمام حکومت‌ها خداست، حکومت و قدرت برای غیرخدا موقتی و محدود است. دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالک اصلی عمل کنند.

البته اعطای عزت و ذلت از جانب خداوند، ولی طبق قوانین و سنت‌های اوست و بدون جهت و دلیل به کسی عزت نمی‌بخشد و یا ذلیل نمی‌سازد.

در حدیث آمده؛

«هر کسی که برای خداوند تواضع و فروتنی کند، خداوند او را عزیز می‌کند و هر کس تکبر نماید، خدا او را ذلیل می‌گرداند.» (۱۷۱)

خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد حکومت و قدرت می‌دهد، همان‌گونه که به سلیمان، طالوت، داود و ذوالقرنین و یوسف علیهم‌السلام عطا فرمود. چنانچه قرآن از قول یوسف علیه‌السلام می‌فرماید:

«رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ» (۱۷۲)

«پروردگارا! تو مرا (بهره‌ای) از حکومت دادی.»

اعطای حکومت، از شئون ربوبیت الهی است. اراده خداوند عامل اصلی است نه فکر، مال، قدرت، یار، طرح، تبلیغات و ... و لذا افتخار یوسف علیه‌السلام آن نیست که حاکم بر مردم است، افتخارش آن است که خداوند حاکم بر او و بخشنده عزت و قدرت به اوست. چون قدرت و علم انسان ناچیز و محدود است اما حکومت خداوند بر همه هستی است.

۸- حکومت و قدرت وسیله آزمایش است

قرآن می‌فرماید:

«ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (۱۷۳)

«سپس شما را پس از (هلاکت ظالمان و طاغوتیان) آنان، جانشینانی در زمین قرار دادیم تا ببینیم شما چگونه عمل می‌کنید.»

حکومت و قدرت وسیله آزمایش الهی است و عملکرد ما زیر نظر خداوند است.

۹- به یاد قیامت باشیم

قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۷۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید، و هر انسانی باید بنگرد تا چه چیز را برای فردایش از پیش فرستاده، و از خدا بپرهیزد که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

یکی از نشانه‌های کارگزار موفق آینده‌نگری و عاقبت اندیشی نسبت به تصمیمات در امور و برنامه‌ها و لوايح است. سزاوار است همانطور که برای رشد و ترقی و رسیدگی به امور مملکت فکر می‌کند از آینده و عاقبت اعمال، رفتار و گفتار خود هم غافل نشود.

گویند: امام خمینی علیه السلام آیه‌ای را که بیش‌ترین استفاده و تلاوت را از آن در گفته‌ها و سخنرانی‌ها داشته همین آیه فوق بوده است.

جالب توجه این است که مواظبت از خود و اعمال و رفتار و آینده‌نگری و خودسازی آن قدر اهمیت دارد که آن در میان دو جمله «اتَّقُوا اللَّهَ» قرار داده شده است. و بر این امر مهم با جمله «وَلْتَنْظُرْ» به انسان امر شده است. آری تقوا و ترس از خداوند (در اجرای عدالت) سبب می‌شود که انسان برای فردای قیامت بیندیشد، و اعمال خود را پاک و پاکیزه و خالص نماید. تکرار امر به تقوا برای تأکید است، چرا که انگیزه تمام اعمال صالح و پرهیز از گناه همین تقوا و خداترسی است.

و کسانی دچار خود فراموشی می‌شوند که خدا را فراموش کنند. لذا در آیه بعد می‌فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ

الْفَاسِقُونَ» (۱۷۵)

«و همچون کسانی که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خودفراموشی» گرفتار کرد نباشید، و آن‌ها فاسق و گنهکارند.»

اصولاً خمیرمایه تقوی دو چیز است:

الف) یادخدا، یعنی توجه به مراقبت دائمی و حضور او در همه حال و همه جا.

ب) توجه به دادگاه عدل خداوند و نامه اعمالی که هیچ کار کوچک و بزرگی از انسان سر نمی‌زند مگر اینکه در آن ثبت می‌شود.

پس فراموش کردن خدا سبب خود فراموشی می‌شود، زیرا فراموشی پروردگار سبب می‌شود که انسان در لذات مادی و شهوات حیوانی فرو رود، و هدف آفرینش خود را به دست فراموشی بسپارد و در نتیجه از ذخیره لازم برای فردای قیامت غافل بماند.

۱۰- اقامه نماز و زکات در رأس امور است؛

قرآن می‌فرماید؛

«الَّذِينَ إِِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»
(۱۷۶)

«کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند، و پایان همه امور برای خداست.»

از آیه استفاده می‌شود که اولین ثمره حکومت صالحان و اهم وظایف کارگزاران نظام اسلامی امور ذیل است؛

الف: اقامه نماز (ارتباط با خالق) - رسیدگی به امور عبادی-

ب: اقامه زکات (ارتباط با مخلوق)- رسیدگی به امور اقتصادی-

ج: اقامه امر به معروف و نهی از منکر- ارتباط مخلوق با مخلوق-

آفت‌ها

۱- تعصب

پیامبر ﷺ فرمود:

«مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ»

«کسی که تعصب (طرفداری و پافشاری بناحق و نابجا) ورزد ریسمان ایمان از گردنش باز می‌گردد.»

۲- ناآگاهی

خداوند در قرآن سفارش اکید فرموده‌اند که درباره مطالب و اخبار تحقیق کرده تا با آگاهی کامل وظیفه خود را انجام دهید. و مبدا از اینکه با جهل و نادانی در منجلاب خلاف و فساد گرفتار شده و پشیمان شوید. «... فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا

قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (۱۸۱)

«تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»

۳- جو زدگی

ماموران الهی به دوزخیان گویند: چه چیز شما را به دوزخ کشید؟ گویند:

«... وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (۱۸۲)

«ما با یاهو گویان، یاهو می‌گفتیم.»

و بر این اعتقاد بودیم که:

«خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو»

پس اگر قدرت و امکانات در دست افراد صالح باشد بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهالان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله بدبختی است.

قرآن از هر دو نمونه یاد کرده‌است:

الف: صالحان، اگر به قدرت برسند به سراغ نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و ... می‌روند.

ب: ناهالان، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است. «إِنَّ

الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (۱۷۷)

و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند.

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ

وَالنَّسْلَ» (۱۷۸)

«و عاقبت مردم را به دوزخ می‌کشاند.»

«أَئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (۱۷۹)

حاکمان مؤمن و صالح، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. و جامعه‌ای تحت حمایت و یاری خداوند است که کارگزارانش به فکر یاری دین و اقامه احکام و حدود الهی باشند.

«وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (۱۸۰)

۴- کبر و غرور

خداوند در قرآن علت سقوط و اجرا نکردن فرمان الهی را همین خوی و خصلت ناپسند یعنی کبر و غرور دانسته و می‌فرماید:

«إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ» (۱۸۳)

«... (همه فرمان خدا را اطاعت کردند) مگر شیطان که سرپیچی و گردنکشی کرد.» (چرا؟)

«... أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ»

«(گفت:) من از او (انسان) بهتر و برترم مرا از آتش و او را از گِل آفریدی.» (۱۸۴)

۵- تقلید نابجا و کور کورانه

البته تقلید به معنای رجوع به کارشناس در هر کاری، و هر کجا و برای هر کسی پسندیده و نیکوست. ولی اگر تقلید کورکورانه و بدون دلیل باشد از دیدگاه هر انسان عاقل و دانایی ناصواب و نکوهیده است.

مجرمان روز قیامت، در جهت علت گرفتاری‌شان به آتش قهر و غضب الهی تقلید کورکورانه از دیگران اقرار می‌کنند:

«لَوْ لَّا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ» (۱۸۵)

«اگر شما نبودید (و ما از شما تقلید کورکورانه نمی‌کردیم) هر آینه ماموم بودیم.»

۶- شایعه

شاید سخت‌ترین مجازات‌ها در قرآن برای کسانی است که در جامعه اسلامی شایعاتی را رواج می‌دهند و دل مردم را نسبت

به اسلام و انجام وظایف دینی خود لرزانده و سست می‌نمایند.»

«لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَأَنبَجُوا رُؤُوسَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا، مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقُفُوا أُحْذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا.»

«اگر منافقان و بیمار دلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه (شهر) پخش می‌کنند دست از کار خود برندارند، تو (ای پیامبر) را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند. و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید.» (۱۸۶)

۷- دشمنی

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۱۸۷)

«و از خداوند و فرستاده‌اش (رهبر دینی) پیروی و اطاعت کنید و نزاع (و اختلاف) نکنید، زیرا که سست می‌شوید و مهابت و قوتتان از بین می‌رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است.»

از آیه فوق فهمیده می‌شود که قانون و رهبر محور وحدت امت اسلامی است و اختلاف و نزاع کارآیی و عملکردها را سست نموده و جامعه اسلامی را از درون پوک و از بیرون هم بی‌آبرو و ابهت می‌نماید.

۸- اسراف

«... وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱۸۸)

«و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد.»

اسلام دین اعتدال است و مصرف بی‌رویه را منع می‌نماید و اسرافکار مبعوض خداوند است.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (۱۸۹) «و از اسراف کاران

فرمان نبرید.»

از این آیه استفاده می‌شود:

اسراف کاری نشانه فساد و اسراف کار مفسد، و صلاحیت قبول مسئولیت را نداشته و امت اسلامی نباید کاری را به او واگذار نموده و از او هم اطاعت ننمایند. گر چه اسراف کاران کار خود را توجیه کرده و خود را صالح می‌دانند.

۹- غیبت

یکی از گناهان بزرگ «غیبت» است.

قرآن می‌فرماید:

«... وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ

أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...» (۱۹۰)

هیچ یک از شما از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مردار برادر خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این کار کراهت داشته و بد می‌دانید.»

«البته در روایت غیبت در مشورت آن هم به صورت محرمانه و محدود اجازه داده شده است.»

۱۰- عیب جویی و هرزه گویی

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (۱۹۱) «وای بر عیب‌جویان هرزه‌گوی»

در روایات آمده: غیبت و هرزه‌گویی دین و تمام اعمال نیک انسان را از بین می‌برد.

۱۱- تجسس و سوء ظن

تجسس در احوال و اسرار مردم که باعث سوء ظن هم می‌شود از خصلت‌های مذموم و ناپسندی است که مورد قهر و غضب الهی است.

قرآن می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

وَلَا تَجَسَّسُوا...» (۱۹۲)

«... از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید...» در حدیث آمده: بدترین مردم کسی است که به دنبال پیدا کردن عیوب مردم است.

۱۲- سخریه و استهزاء

مسخره کردن و خوار کردن دیگران از خصلت‌های ناروا و باعث سرافکنندگی و شرمساری و رسوایی روز قیامت است و خداوند از آن نهی فرموده است:

«لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا

نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ... وَلَا تَنَابَزُوا

بِاللِّقَابِ...» (۱۹۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از شما گروه دیگر را مسخره کنند شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند.»

یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جوئی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.»

۱۳- حبّ و بغض‌های نابجا

شرکت در انتخابات چه برای داوطلبین و آن کسی که خود را برای پذیرفتن این مسئولیت لایق و شایسته می‌داند و چه برای مردم یک وظیفه دینی و الهی است. انجام این وظیفه، انگیزه الهی می‌خواهد. وارد کردن حبّ و بغض‌های نابجا این انگیزه مقدس را در وجود انسان می‌میراند. گرایش‌های باندی و جناحی، رفاقت‌ها و یا نسبت‌های قومی و قبیله‌ای و هم‌صنف بودن و ... برگرفته از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است که با اخلاق اسلامی سازگاری ندارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ»؛ (۱۹۴)

دوست داشتن (بدون انگیزه صحیح و الهی انسان را) کور و کر کننده است.»

و حضرت علی عليه السلام می‌فرماید:

«عَيْنَ الْمَحَبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ وَ أذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ

قُبْحِ مَسَاوِيهِ» (۱۹۵)

«چشمان دوست، در برابر عیب‌های محبوبش کور، و گوش‌هایش در برابر قبیح و زشت او ناشنواست.»

۱۴- رشوه و فریب

جای سؤال است کسی که با رشوه و عوام‌فریبی و مخارج گزاف می‌خواهد مسئولیتی را در نظام اسلامی بدست آورد، آیا

می‌تواند به هنگام رسیدن به مقام از ارزش‌های اسلامی دفاع کرده و خدمتگزار خوبی برای مردم مسلمان باشد؟
امیرمؤمنان علی عليه السلام در این باره می‌فرماید:

«السَّيِّدُ مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُخَادِعُ وَلَا تَغْرَهُ الْمَطَامِعُ» (۱۹۶)
«آقا (مسئول و کارگزار) مردم کسی است که رشوه ندهد و حيله‌گری و فریبکاری نکند و چیزهای طمع انگیز او را به طمع نیاندازد.»

۱۵- توسل به روش‌های ناپسند

مقام‌ها و مسئولیت‌های دنیایی ارزشی ندارد که انسان برای رسیدن به آن، و مردم برای رأی آوردن کسی که داخل حزب و گروه، هم‌شهری و هم‌زبان و ... آن‌هاست به هر کار و روش ناپسندی دست بزند. که اگر خدای ناخواسته چنین شد جز وزر و وبال چیزی برای ما باقی نخواهد ماند. سخن خداپسندانه علی عليه السلام در این باره چنین است:

«لَا تَقْبَلِ الرَّئِيسَةَ عَلَى أَهْلِ مَدِينَتِكَ، فَإِنَّهُمْ لَا يَسْتَقِيمُونَ

لَكَ إِلَّا بِمَا تَخْرُجُ بِهِ مِنْ شَرَطِ الرَّئِيسِ الْفَاضِلِ» (۱۹۷)

«ریاست و مسئولیت شهر را (در زمانی که مردم به روش‌های غلط، زشت و ناپسند عادت دارند) به عهده مگیر، چرا که به کلام تو و دلسوزی‌هایت گوش فرا نمی‌دهند، مگر، آن‌که اعمالی (ناپسند) را انجام دهی، در حالی که با انجام آن، شرایط رئیس شایسته، (لایق) و فاضل را از دست می‌دهی.»

۱۶- اختلاف و تفرقه

بدون شک یکی از سیاست‌های دشمنان اسلام و مسلمین و وسوسه‌های شیطان و اسباب ذلت امت اسلامی ایجاد

«اختلاف» در صفوف مردم است. و در مقابل آن «وحدت» که عامل سربلندی، عزت، اقتدار، پیشرفت و پیروزی مسلمانان است.

خداوند در قرآن چنین می‌فرماید:

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۱۹۸)

«از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید و اختلاف نکنید، تا اینکه متفرق شوید و احترام و عزت شما از بین برود و صبر را پیشه کنید که به یقین خداوند با صبر پیشه‌گان است.»

در طول تاریخ ثابت شده که هرگاه بین صفوف مسلمانان اختلاف و تفرقه ایجاد شده، شکست‌ها و ضررهای غیرقابل جبرانی را متحمل شده‌اند و دشمنان هم با تحریک و تشویق آب را گل‌آلود دیده، مقاصد خود را پیاده می‌کنند.

تا آنجا که آفت اختلاف را خطری به مراتب بزرگتر و مؤثرتر از حضور نظامی دشمن می‌شمارند.

✱ هشدار مهم :

انجام وظیفه آری، دین فروشی هرگز !!!

در روایت آمده است ؛ بدبخت کسی است که دین‌اش را به دنیای‌اش بفروشد و بدبخت‌تر کسی است که دین‌اش را به دنیای دیگران بفروشد.

خدایا: روزبه‌روز بر عزت و قدرت و وحدت و آگاهی و همدلی، سرافرازی و استقلال امت اسلامی در مقابل دشمنان بیفزا و ما را در انجام وظائف خود موفق و دشمن شاد مفرما.

فرج آقا امام زمان عجلتعالیه عدالت گستر، جهان را برسان و قلبش از ما راضی فرما.

ما را به راه اسلام و قرآن و اهلبیت علیهم‌السلام و خون شهداء ثابت قدم بدار.

خدایا چنان کن سرانجام کار

که تو خوشنود باشی و ما رستگار

- ۲۷- یوسف / ۲۲
- ۲۸- واقعه / ۱۱ و ۱۰
- ۲۹- نهج البلاغه نامه ۳۵
- ۳۰- غررالحکم / حکمت ۴۸۱
- ۳۱- نساء / ۹۵
- ۳۲- انفال / ۷۲
- ۳۳- قصص / ۲۶
- ۳۴- بحار الانوار ۱۱۴/۷۵
- ۳۵- نساء / ۵۸
- ۳۶- نساء / ۶
- ۳۷- الغدير ۲۹۱/۸
- ۳۸- سجده / ۲۴
- ۳۹- مائده / ۵۴
- ۴۰- اصول کافی ۱۲۳/۲
- ۴۱- نهج البلاغه نامه به مالک اشتر
- ۴۲- نهج البلاغه نامه به مالک اشتر
- ۴۳- من لا يحضره الفقيه ۳۷۸/۴
- ۴۴- صف / ۳ و ۲
- ۴۵- بحار الانوار ۸۶/۳۵
- ۴۶- نهج البلاغه خطبه ۱۷۳
- ۴۷- نهج البلاغه کلام ۱۸۹
- ۴۸- نهج البلاغه خطبه ۱۰
- ۴۹- نهج البلاغه خطبه ۹۷
- ۵۰- نهج البلاغه کلام ۱۲۲
- ۵۱- نهج البلاغه نامه به مالک اشتر
- ۵۲- نهج البلاغه نامه ۴۳

- ۱- نساء / ۵۸
- ۲- اصول کافی ۱۰۵/۲
- ۳- نهج البلاغه / خطبه ۲۱۶
- ۴- تین / ۴
- ۵- بقره / ۲۵۶
- ۶- انسان / ۳
- ۷- حدید / ۲۵
- ۸- در المنثور ۲۴۴/۶
- ۹- زمر / ۷۴
- ۱۰- آل عمران / ۱۵۹
- ۱۱- بزرگسالان ۳۴۱/۱
- ۱۲- زخرف / ۳۱
- ۱۳- بقره / ۲۷۴
- ۱۴- جمعه / ۱۱
- ۱۵- اعراف / ۱۴۲
- ۱۶- لیل / ۱۲
- ۱۷- با استفاده از کتاب اصول عقائد استاد قرائتی
- ۱۸- رعد / ۱۱
- ۱۹- با استفاده از تفسیر نمونه
- ۲۰- حدید / ۲۵
- ۲۱- اصول کافی ۱۶۳/۲
- ۲۲- دعای مکارم الاخلاق
- ۲۳- اسراء / ۷۲
- ۲۴- طه / ۱۲۵
- ۲۵- طه / ۱۲۶
- ۲۶- حجرات / ۱۳

- ٥٣- نهج البلاغه نامه ٥٣
 ٨٠- مائده ٥٤/
 ٨١- اصول كافي ١٦٤/٢
 ٨٢- غررالحكم /حكمة ٥١٩٣
 ٨٣- بحار الانوار ١٥٧/٧٤
 ٨٤- عنكبوت ٢٠/
 ٨٥- علق ١٤/
 ٨٦- ابراهيم ٣٧/
 ٨٧- زمر ٩/
 ٨٨- بحار الانوار ١٢٥/٤٠
 ٨٩- حجرات ٦/
 ٩٠- آل عمران ١٠٣/
 ٩١- حجرات ١٠/
 ٩٢- آل عمران ١٠٣/
 ٩٣- زاريات ٥٦/
 ٩٤- تحف العقول ٢١٤/
 ٩٥- بحار الانوار ٤٢٢/٧٧
 ٩٦- نهج البلاغه /حكمة ١٧٣
 ٩٧- اسراء ٣٦/
 ٩٨- صافات ٢٤/
 ٩٩- يوسف ١٠٨/
 ١٠٠- ص ٨٢ و ٨٣
 ١٠١- اصول كافي ٢٣٢/
 ١٠٢- زخرف ٥٤/
 ١٠٣- نهج البلاغه ٢٧
 ١٠٤- تاريخ بغداد ٣٧٩/٣

- ٥٣- نحل ١٢٠/
 ٥٤- نحل ١٢١/
 ٥٥- نحل ١٢٢/
 ٥٦- الموطأ لمالك ٩٠٢/٢
 ٥٧- غررالحكم /حكمة ١٠٨٧٥
 ٥٨- نهج البلاغه نامه ٥٣
 ٥٩- نهج البلاغه نامه ٥٣
 ٦٠- نهج البلاغه و غررالحكم /حكمة ٢١٠١
 ٦١- شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد ٢٧٢/٤
 ٦٢- مستند الفردوس ٣٢٥/٥
 ٦٣- غررالحكم /حكمة ١٨٢٠
 ٦٤- نمل ٣٩ و ٣٨/
 ٦٥- يوسف ٥٥/
 ٦٦- نهج البلاغه كلمات قصار ٦٤٦
 ٦٧- نهج البلاغه كلمات قصار ٥٣
 ٦٨- غررالحكم /حكمة ٨٤٣٨
 ٦٩- غررالحكم /حكمة ٤٨١٨
 ٧٠- بحار الانوار ١٩٠/١٦
 ٧١- اصول كافي ٦٧/١
 ٧٢- الغيبة للشيخ الطوسي ١٧٧/
 ٧٣- صافات ١٠٢/
 ٧٤- توبه ١٢٨/
 ٧٥- ترجمه تحف العقول ٢٦/
 ٧٦- بحار الانوار ١٤٢/٧٥
 ٧٧- شوري ١٥/
 ٧٨- احقاف ٣٥/

- ۱۳۱- کلمات قصار امام خمینی(ره) ۳۵/۳۱
- ۱۳۲- روزنامه کیهان ۷۱/۳/۲۰
- ۱۳۳- صحیفه نور ۱۰۳/۱۷
- ۱۳۴- صحیفه نور ۷۵/۱۲
- ۱۳۵- صحیفه نور ۲۱۴/۲۰
- ۱۳۶- صحیفه نور ۱۵۲/۱۸
- ۱۳۷- صحیفه نور ۵۷/۱۲
- ۱۳۸- صحیفه نور ۸۷/۲۱
- ۱۳۹- صحیفه نور ۱۲۳/۱۲
- ۱۴۰- صحیفه امام خمینی(ره) ۲۸۵/۱۸
- ۱۴۱- روزنامه اطلاعات ۷۴/۱۱/۱۵
- ۱۴۲- صحیفه نور ۲۸۰/۱۸
- ۱۴۳- افتتاح مجلس چهارم ۷۱/۸/۳
- ۱۴۴- صحیفه نور ۲۷۳/۲ و ۲۵۶/۱۷
- ۱۴۵- صحیفه نور ۶/۱۲
- ۱۴۶- صحیفه نور ۷۵/۱۲
- ۱۴۷- روزنامه اطلاعات ۷۴/۱۱/۱۵
- ۱۴۸- صحیفه نور ۱۳۶/۱۸
- ۱۴۹- کلمات قصار امام خمینی(ره) ۱۱۴/
- ۱۵۰- صحیفه نور ۱۲۱/۱۲
- ۱۵۱- در پیام ۷۱/۳/۷ به مجلس
- ۱۵۲- صحیفه نور ۶۰/۱۵ و ۱۱/۱۹
- ۱۵۳- رهبر فرزانه انقلاب آیت... خامنه‌ای
- ۱۵۴- تحریریم ۶/
- ۱۵۵- غدیر ۲۹۱/۸
- ۱۵۶- بقره ۲۶۱/

- ۱۰۵- بحارالانوار ۱۸۴/۷۴
- ۱۰۶- نهج البلاغه / نامه ۵
- ۱۰۷- با استفاده از نوشته محسن مهاجر
- ۱۰۸- صحیفه نور ۲۸۴/۱۱
- ۱۰۹- رهبر فرزانه انقلاب ۷۸/۱۱/۶
- ۱۱۰- صحیفه نور ۲۷۷/۵ و کلمات قصار
- ۱۱۱- رهبر فرزانه انقلاب ۷۴/۱۲/۲
- ۱۱۲- رهبر فرزانه انقلاب ۸۲/۱۰/۱۹
- ۱۱۳- صحیفه نور ۷۵/۱۲
- ۱۱۴- رهبر فرزانه انقلاب ۷۰/۱۲/۴
- ۱۱۵- رهبر فرزانه انقلاب افتتاح مجلس چهارم
- ۱۱۶- صحیفه نور ۱۹۸/۱۸
- ۱۱۷- صحیفه نور ۲۵۳/۵
- ۱۱۸- صحیفه نور ۲۶۹/۱۱
- ۱۱۹- روزنامه اطلاعات ۸۰/۸/۹
- ۱۲۰- نماز جمعه تهران ۷۱/۷/۸
- ۱۲۱- روزنامه مردم سالاری ۸۱/۱۲/۸
- ۱۲۲- صحیفه نور ۲۷۷/۵
- ۱۲۳- صحیفه نور ۱۶۳/۱۵
- ۱۲۴- صحیفه نور ۲۷۳/۱۱
- ۱۲۵- وصیت نامه امام خمینی (ره)
- ۱۲۶- صحیفه نور ۳/۱۲
- ۱۲۷- روزنامه کیهان ۸۲/۹/۲۶
- ۱۲۸- راهبردهای ولایت ۱۵۲/۵
- ۱۲۹- امام خمینی(ره) خطاب به نمایندگان دوره سوم
- ۱۳۰- صحیفه نور ۲۰۴/۱۸

- ١٨٣- بقره ٣٤/
 ١٨٤- اعراف ١٢/
 ١٨٥- سباء ٣١/
 ١٨٦- احزاب ٦٠ و ٦١
 ١٨٧- انفال ٦٠/
 ١٨٨- انعام ١٤١/
 ١٨٩- شعراء ١٥١/
 ١٩٠- حجرات ١٢/
 ١٩١- همزه ١/
 ١٩٢- حجرات ١٢/
 ١٩٣- حجرات ١١/
 ١٩٤- من لا يحضره ٣٨٠/٤
 ١٩٥- غررالحكم /حکمت ٢٦٣١٤
 ١٩٦- غررالحكم /حکمت ٢١٠١
 ١٩٧- شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ٢٨٢/٢٠
 ١٩٨- انفال ٤٦/

- ١٥٧- مجموعه ورام ١/٦
 ١٥٨- نهج البلاغه نامه ٥
 ١٥٩- شاره المصطفى ٢٩/
 ١٦٠- غررالحكم /حکمت ٢١٠١
 ١٦١- يوسف ١٠١/
 ١٦٢- بحار الانوار ١٦١/١٧
 ١٦٣- اسراء ١٤/
 ١٦٤- آل عمران ١٨٨/
 ١٦٥- انسان ٩/
 ١٦٦- نساء ٣٨/
 ١٦٧- تفسير نور ٢١٩/٢
 ١٦٨- فجر ١٥/١٦
 ١٦٩- نساء ١٣٩/
 ١٧٠- آل عمران ٢٦/
 ١٧١- بحار الانوار ١٦٦/١٦
 ١٧٢- يوسف ١٠١/
 ١٧٣- يونس ١٤/
 ١٧٤- حشر ١٨/
 ١٧٥- حشر ١٩/
 ١٧٦- حج ٤١/
 ١٧٧- علق ٦ و ٧
 ١٧٨- بقره ٢٠٥/
 ١٧٩- قصص ٤١/
 ١٨٠- حج ٤٠/
 ١٨١- حجرات ٦/
 ١٨٢- مدثر ٤٥/